



سال سوم - دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۰ - پیا ۲۰ ریال

انقلاب پرشکوه
کارگران وزحمتکشان ایران
رژیم جمهوری اسلامی را به
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

طی دو ماه و نیم اخیر:
**حدود ۱۰۰۰ کمونیست و انقلابی
توسط رژیم جلاد
جمهوری اسلامی تیرباران شدند!**

دموکراسی انقلابی یا دموکراسی
بورژوازی ضد انقلابی! (۱)

نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"
در صفحه ۱۰

حمایت کارگران
از شورای منتخب
خود توطنه
مزدوران رژیم را
خفتی کرد
در صفحه ۳

رهنمود به رفقای هوادار سازمان
درباره سازماندهی و وظایف هسته‌های وابسته

جمهوری اسلامی، در کوتاه‌ترین
فاصله حکم اعدام بهترین فرزندان
انقلابی خلق را در تهران و شهرستانها
مادر کرده و آنها را به جوخه‌های
اعدام‌نیا رند. و این در حالی است
که بحران اقتصادی و مفروفلکت و
گرانی و تورم، بنحوروز افزونی
گلو کارگران وزحمتکشان را می-
فشارد و آنها را بطور روز افزون در
مقابل رژیم جمهوری اسلامی که در
گذشته نسبت به آن دحار و ستم‌ور ش
باوری بودند، قرار میدهد

صفحه در صده ۵

رفقا! هم اکنون در وضعیت
سیاسی ویژه‌ای بسر میبریم. رژیم
جمهوری اسلامی بدنبال رانده شدن
لیبرالها از قدرت سیاسی و قرار
گرفتن کلیه مواضع کلیدی قدرت
در دست حزب رسوای جمهوری اسلامی
بیش از پیش بر سرکوب جنبش توده-
ای و نیروهای سیاسی کمونیست و
انقلابی افزوده و هم اکنون روزی
بیش که در گوشه و کنار کشور دهها
کسویت و انقلابی توسط کمیته‌ها
وسپاه‌ها اعدام و دستگیر و روانه
سکجه گاههای رژیم حاکم نشوند و با ز
روزی نسبت که پیدا دکا ههای

سرمقاله

انفجار در نخست وزیری،
وضع زبونی
رژیم خمینی!

انفجار یک بمب در دفتر نخست
وزیری در هفته گذشته که منجر به
کشته شدن سران طراز اول رژیم
ارتجاعی حاکم (یعنی رجایی و
باهنر) گردید و نیز چند روز پس از آن
یک بمب در مرکز "ادستانی انقلاب
اسلامی" که قدوسی جلاد را به دیوار
نیتی رهپار کرد و با ردیگر ضعف و
زبونی رژیم و وضع رقت بار و آشفته
درونی آن را در برابر دیدگان همه
بطور آشکار نمایان ساخت. سیستم
امنیتی "۳۶ میلیونی" رژیم هم
شواست برای اوکاری انجام دهد
و غیر غم آنکه رژیم حادثه ۷ سیر
انفجار مقرر حزب (و تجربه نفوذ در
ارگانهایش را آزموده بود، و این
آزمایش را به بهای معدوم شدن بیش
از ۷۰ تن از رهبران منفورش انجام
داده بود، در دو جا دثیه پیاپی و
غیر عمدتاً اقدامات امنیتی اش،
ای تجربه را به بهای سنگین
دیگری تکرار نمود! دیگر آشکارا است
که رژیم حتی در مطمئن ترین و
مناظت شده ترین مراکز خود نیز از
دست مخالفین و نیروهای انقلابی
درمان نیست، "گروهکها" و "مکس-
ها" (نامی که خمینی در یکی از
سخنرانی‌هایش بر نیروهای انقلابی
سپارد)، غیر عمد آنکه در حال زوال و
سایودی "هستد، اما سران رژیم را
که در حمار قطوری از مخالفین مسلح
بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

عمومی جامعه، بحران سیاسی فراگیر، درجه عسکری، بحران سیاسی فراگیر، درجه رشد تضادهای و پتانسیل انقلابی جنبش و... است. و در متن جنبش شریاتی است که این ترور هراس و اقدام میتوانند در تشدید و وسع تا به ما مان درونی رژیم نقش موثری ایفا نمایند.

علاوه بر این ضربات سیاسی و روانی ناشی از این ضربات نیز باید مورد تاکید قرار گیرد. ضربت خوردن پی در پی رژیم در سه مرکز، از مراکز ملاحظه حفاظت شده و سطح بالای رژیم، اعتبار سیاسی رژیم را حتی در حفاظت از نیروهای خود، بکلی از میان برده است و همین سی اعتباری رژیم را هماهنگی زخم خورده ای به زوزه و ادا رکورد است. علیرغم تمام تبلیغات مذبحا به رژیم برای خنثی کردن این اثرات، اکنون دیگر نتوانی رژیم را در مسدود کردن مجاری این ضربات، رسوای خاص و عام گشته است: رژیم تاکنون نتوانسته است، به کیفیت عمل بمب گذاری در نخست وزیری و دادستانی دست یابد! و این خود بروشنی از هم پاشیدگی سیستم امنیتی رژیم و عجز و ناتوانی آن در حفظ حیات رهبران آن و بطلان تبلیغات رژیم را عریان میازد. مضاف بر این ها، طبعا تا شیرات این حرکات و عملیات بحران سیاسی «ستقیم» بحران اقتصادی و افزایش آن موثر واقع میشود که در اینجا مجال توضیح بیشتر پیرامون آن نیست.

اما اینها یک طرف قضیه است! طرف دیگر تا شیرات ناشی از عملیات ما جرایم نه در جنبه انقلاب است، اینکه این عملیات بر یک سر ضد انقلاب با چنین اوضاع تا به ما مان درونی است، ضربه های تضعیف کننده وارد می آورد، بخودی خود، بمعنای آن نیست که به نفع انقلاب می باشد و تا کتیک صحیح و در جهت منافع جنبش می باشد.

هر چه بیشتر از عمرا این عملیات ما جرایم نه میگذرد، بیش از پیش خصلت کودتا گرانه و بیگانگی آن با تاکتیک های توده ای هدفمند، مبتنی بر روند عینی جنبش و تناسب قوای موجود و با خصلت بسیج کننده و سازماندهنده جنبش توده ای، روشن تر میگردد.

این عملیات از استادی شکل گیری خویش تاکنون نقش مهمی در به عقب راندن جنبش اعتراضی بقیه در صفحه ۷

وارد در "بالا" در درون رژیم و در ارگانها بیش از حد می کند، و با توجه به اینکه این ارگانها و عنا صر متشکله در پایه های آن (سپاه، ارتش، شهریان، بسیج و فلالنزه های حرفه ای) مستقیما خود را در معرض ضربات و ترورهای می بینند که رژیم نیز با ناتوانی تمام قادر به مهار کردن آنها و تا مین شرایط حفاظت آنها نیست، بی تردید، انسجام درونی ارگانهای رژیم دستخوش زلزله فراوان میگردد. شواهد نیز بی گرای مسئله است، اخبار پراکنده مربوط افزایش درجه استعفا و فرار از ارگانهای سپاه و... پراکنده شدن مزدوران رژیم - فلالنزه های حرفه ای در بسیج و یا خارج از آن - از ترس جان خویش تن ندادن پرسنل شهریان به سیاست های سرکوب هیتا حاکمه حزبی، تشدد در بدنه ارتش، که در اخبار جنبه های جنگ به خوبی مشهود است، و... نشانه این امر است. این امر حتی به جایی رسیده است رژیم (مطابق اخبار موثقی که از درون آن بدست ما رسیده است) از تا مین تعداد لازم محافظین مسلح از ارگانهای سپاه و کمیت و بسیج برای حفاظت از جان مهره های خود ناتوان است. طبق خبر دیگری، فقط در سپاه پاسداران شیراز تعدادی بیش از ۱۰۰ نفر از سپاهیان دست به استعفا زده اند. و یا در کردستان مطابق خبری در همین روزهای اخیر تعداد بیش از بیست نفر از شای مزدور رژیم در کردستان (که تحت نام به اصطلاح "پیشمرگان مسلمان کرد" فعالیت میکنند) به نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد خود را تسلیم کرده اند. حتی وضع بگونه ای است که رژیم در جایگزینی عنا صر جدیدی در سطوح رهبری خود بجای عنا صر معدوم شده دچار دشواری گشته است. بعنوان مثال عنا صر مرتجع چون موسی زرگر، وزیر پیشین بهداشت، حاضر به پذیرفتن این پست در کابینه جدید نگردید و این نیز هیچ انگیزه ای جز ترس از جان و بی اعتمادی نسبت به وضعیت و آینده رژیم نمی تواند باشد. این اخبار و گزارشات پراکنده که تنها گوشه ای از واقعیت های درونی رژیم جمهوری اسلامی را نمایان میازد، بروشنی نشان میدهد که ضد انقلاب حاکم در چه موقعیت خطرناک و تا به ما مانسی قرار گرفته است. طبیعتا است که این وضع اساسا انعکاس اوضاع

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ۰۰۰
محمور کشته اند، در خانه و محفل کارشان نیز از آرمی گذارند! رژیم جمهوری اسلامی عاجز و ناتوان نظاره گرنا بودی یک به یک رهبران و سران منفور خویش است بی آنکه قدرت مقابله و جلوگیری از آن را داشته باشد، تنها کاری که در مقابل انجام میدهد، کشتار بی رحمانه و قتل عام، انقلابیون و مردم سیری است که در جنگال های خونین زندانهای قرون وسطائی اش به اسارت درآمده اند.

تردیدی نیست که این ترور های انقلابی، ضربات جبران ناپذیری بر پیکر ضد انقلاب حاکم وارد آورده و وارد می آورد. بیوژه اگر توجه کنیم که از یک سو رژیم شرایط متعارف یک حکومت با ثبات و تثبیت شده را ندارد و از هم پیر و ضربات فوق را در شرایطی متحمل میشود، که بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم در این عرصه پیدا میکند و بحران سیاسی و تا به ما مان درونی رژیم فوق العاده تشدید یافته است و از طرف دیگر، این عملیات در سطح بسیا وسیعی جریان دارد و مشابیهت چندانی به عملیات و ترور یک گروه انقلابی محدود ندارد. در حال حاضر رژیم در تمام سطوح خود، و در مقیاس سراسر ایران در معرض ضربه های نظامی قرار دارد و در برابر امواج بی سابقه ترین و کم نظیر ترین ترورها و عملیات مسلحانه قرار گرفته است. با توجه به این ویژگی ها است که تا شیرات ترورها و عملیات نظامی فوق الذکر در تضعیف درونی رژیم فوق العاده بیشتر میشود.

از لحاظ تشکیلاتی، این ضربات، نه تنها رژیم را از کادرهای مجرب و هدا ییگر خویش در بالا محروم میازد، (و این در حالی است که رژیم شدت از لحاظ کادرهای مجرب و مطلوب خویش در مضیقه قرار دارد) بلکه در ارگانهای سرکوب و اداری اش نیز، که از اساسی حاکمیت و اقتدارش می باشد پراکنده می کند، انهدام، و تشدد ایجاد میکند. در مورد اولی مسئله روشن است و نیازی به توضیح نیست، از دست رفتن عنا صری نظیر بهشتی، رجائی، با هنر، قدوسی، آیت و... یعنی کسانی که یا از طراحان و خط دهندگان رژیم بودند (نظیر بهشتی و آیت) و یا کادرهای "معتبر" و اجرایی رژیم (نظیر رجائی، با هنر و قدوسی). در مورد دوم نیز با توجه به بی اعتمادی فراوانی که ضربات

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



جنبش کارگری کارخانه برون می کنند کارگران جاسوسان رژیم را از

رفیقی گزارش میدهد:
چندی پیش از طرف وزارت کار
یکی از مزدوران کمیته راه شرکت
ما معرفی کردند. او پس از استخدام
شروع به جاسوسی نمود. او دانش
مزا حکم کارگران میشد که "شد
انقلاب" هستی و با ادا از این
شرکت اخراج شود. او نام ۳۰ نفر
از کارگران را هم به مدیرعامل داده
و گفته بود که اینها با ادا اخراج شوند
کارگران با تنفر و خشم نسبت به
اینگونه اقدامات به شورا و مدیریت
هشدار دادند که اگر تکلیف این
جاسوس را معلوم نکند خود تصمیم
خواهند گرفت. شورا و مدیریت
تصمیم به اخراج او نگرفتند. آن
جاسوس به کمیته دیوشکا پست میکند.
ما موران کمیته وقتی به کارخانه
آمدند و فهمیدند که مژده خود و
مزدوران با زنده، بعنوان اینکه
او ۵ قوطی روغن نباتی ۵ کیلوگی
از کمیته دزدیده و به کارگران هر
یک قوطی را به ۱۲۰ تومان فروخته
بود با خود بردند. به این ترتیب،
کارگران مزدوری را که "بدستور
امام" به جاسوسی مشغول بود از
خانه خود بیرون راندند و اجرات
نکرد با زگرد.

شنیدن سخنان مدیرعامل بازور!

پارس الکتریک: در تاریخ
۶۰/۶/۱ اعلام شد که در ساعت ۳ بعد
از ظهر مدیرعامل در ستوران سخن
رانی خواهند نمود. کارگران که
مدیرعامل را نمابنده سرمایه -
داران دشمن خود میدانند و از این
مرتجع تازه مکتبی شده تنفر دارند
علاقه ای به شنیدن سخنان او
نداشتند. ولی با توجه به جو خفقان
موجود بطرف رستوران رفتند.

نگهبانان مزدور کارخانه بقیه
کارگران را که در محوطه کارخانه
قدم میزدند با تهدید به اینکه "اگر
به ما لن نیرو پیدا سمتان را میبوسیم
کارگران را مجبور کردند که تا
ساعت ۴/۵ پای صحبت مدیرعامل
بنشینند. در عرض این مدت درهای
رستوران بسته بودند و مبادا کسی
خارج بشود. اما این شیوه ها مگر
تا کی میتواند انجام شود؟

حمایت کارگران از شورای منتخب خود توطئه مزدوران رژیم را خنثی کرد

در ادامه توطئه ضد کارگری رژیم
جمهوری اسلامی که تاکنون منجر به
اخراج تعداد وسیعی از کارگران آگاه
و پیشرو از کارخانه ها شده است، از
کارخانه فیلیپس نیز ۱۰ تن از
کارگران را اخراج کردند. شورای
کارخانه، بنا به خواست بقیه
کارگران، در یک جلسه عمومی از
مدیریت کارخانه خواست که علت
اخراج آن ۱۰ نفر را به همه توضیح
دهد. مدیرعامل که یکی از اعمال
بنیاد "مستضعفان" است و بشدت مورد
نفرت اکثریت کارگران میباشد،
در این باره جزین پراکنی و یک
مشت حرفهای بی سروته چیز دیگری
بر زبان نیاورد. اما کارگران که
از موضع ضد کارگری رژیم آگاه
بودند مصرا نه خواستار توضیح
گردیدند و حجاب قاطع خود را از
شورا اعلام نمودند. کارگران با
تأکید سخنان سخنگوی شورا مشیت
محکمی برده ان مدیرعامل و
اربابانش زدند. مدیریت که وجود
شورا را چون غاری در چشم خود می
دانست تصمیم به اخراج اعضای
شورا گرفت و دستور داد که از ورود
اعضای شورا به کارخانه جلوگیری
شود. اما اعضای شورا خواستار حکم
کتبی اخراج خود میگردند و چون
این حکم آماده نبود به داخل
کارخانه می آیند و کارگران را در
حربان توطئه اخراج خود میگذارند
بیشتر کارگران به حمایت از اعضای
شورا برخیزند و این توطئه کشف
را محکوم میکنند. مدیریت کارخانه

فورا حکم اخراج را به اعضای شورا
ابلاغ میکنند و از آنها میخواهند که
کارخانه را ترک کنند. با اخره ۴ تن
که رگرو شورالبا س کار را بیرون
آورده به سمت نگهبانی کارخانه
میروند. کارگران ابتدا در دسته
های کوچک سپس بطور دسته جمعی
مانع خروج اعضای شورای خود از
کارخانه میشوند و دوپاره آنها را به
سرکار بر میگردانند.

کارگران مرتباً میگفتند: ما
شما را انتخاب کرده ایم و ما می
خواهیم که شما بعنوان نماینده ما
باقی بمانید. هر کس از وجود شما
نا راحت است خودش برود بیرون.
حرکت هشیا را نه و مجدداً کارگران
جهت بازگرداندن اعضای شورا،
مشت محکمی برده ان مدیریت و
انجمن اسلامی و دیگر خائسین به
طبقه کارگران واخت. بعد از باز
گردانیدن اعضای شورا توسط
کارگران، شورا از کارگران برای
تشکیل یک مجمع عمومی دعوت
بمعمل آورد و در این مجمع عمومی
به افشای توطئه های مدیریت و
کشافتکارهای آقا بان مکتبی
(که مزدوران سرمایه داران هستند)
پرداخت.

کارگران، بیش از پیش به
ماهیت ارتجاعی و مژورانه این
نوکران سرمایه داری پی بردند و
با تأکید کارخانه شورا اعلام کردند که
برای روشن شدن وضع شورا احتیاجی
حاضر هستند که به تعطیلات تابستانی
نروند. اکثریت کارگران با این
نظر موافق بودند. هم اکنون کارگران
منتظر هستند تا با نمایندگان وزارت
کار (در واقع وزارت سرمایه!)
ملاقات کرده، وقایع را به آنها
بگویند که تنها شورای مورد قبول
کارگران همان شورائی است که
چون غاری در چشم سرمایه داران
است و به هیچ وجه از آنها نخواهد داد
که اعضای مزدورانجمن اسلامی و
دیگر جاسوسان رژیم خود را نماینده
کارگران جابزنند زیرا آنها جز
نماینده سرمایه داران و رژیم
سرمایه داری جمهوری اسلامی
نیستند.

تشدید بازرسی بدنی کارگران مانع مبارزه شان نمی شود

پارس الکتریک: از روز اول بعد
از تعطیلات، هفت نگهبان مامور
شده اند که جلوی درب ورودی کارگران
را دقیقاً مورد بازرسی بدنی قرار

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



دهند. برای بازرسی بدنی نیز اطاق خاصی در نظر گرفته شده است. رژیم از این مبتسرده که علامه های آگاهی بخش به درون کارخانه راه پا بدو با مبارزات خودبخودی کارگران پیوند بخورد و طوفان به پا شود اما کارگران مبارز راه مبارزه خود را میدانند

اخراج کارگران آگاه و استخدام وابستگان به رژیم

پارس الکتریک: براساس یک خبر اول شهریور بنیاد شهید به این کارخانه اعلام نموده است که هرگونه استخدام جدید یا بدو بطریق این بنیاد صورت گیرد. چندتن از کارگران گفته اند که تاکنون ۳۶ فالانژ اعم از پارسا و خوانده آنان در کارخانه استخدام شده اند. هدف از این استخدام، هم جاسوسی علیه مبارزات کارگران است و هم حق الکوت و ادراج به خانواده هایی که فرزندان شان قربانی این رژیم شده و در تدارگیری ها کشته شده اند.

رژیم ضد کارگری حاکم نمیتواند و نمیخواهد برای کارگران مسکن بسازد

پارس الکتریک: از مدت سی پیش قرار بود برای کلیه کارگرانی که پیش از ۳۰ سال حق بیمه پرداخت نموده اند از طرف بنیاد مسکن وام هایی در حدود ۳۰۰ هزار تومان داده شود تا کارگران مزبور بتوانند با رتبه های حداکثر به مساحت ۸۶ متر مربع خریداری نمایند. از حدود ۲۳۰ نفر حاضرین شرایط ۲۰۰ نفر از آنها فعلا قرار شده بیرون دور این مورد صحبت کنند با این خیال که این کار عملی شود اما کارگران آگاه میدانند که وعده های رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی پوک تر از آنست که به وعده هایش بتوان دل بست. سرنوشت خانه هایی که از فردای قیام بهمن وعده ساختن را دادند و با ۱۰۰ میلیون تومان به حساب شماره ۱۰۰ بانک صادرات قمر ریخته شد

وزیر نظر خود خمینی هم بودند تا کنون چه شده است؟

وعده های گزاف آیت الله خسرو شاهی راجع به دادن مسکن به "مستضعفین" چه شد؟ وعده ها نمونه دیگر از وعده های سرخمن که رژیم خمینی برای فریب مردم داد. کارگران آگاه ما میدانند که "آدم عاقل از یک سوراخ دوبار رگزیده نمی شود" تا مبین نان و مسکن و آزادی با یکدیگر مربوط است و تنها پس از سرنگونی این رژیم ارتجاعی و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و سرانجام با نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم کارگران میتوانند به نیازهای واقعی خود دست توانای خویش را جابجا معمل ببوشانند.

رژیم کارگرکش با کینه کارگران روبرو است

پارس الکتریک: کارگران که پس از تعطیلات به کارخانه آمدند بودند وقتی از خبر اعدام جنایت کارخانه ۴ نفر از کارگران زحمتکش و آگاه همکار خود مطلع شدند، با کینه و اندوه فراوان با آن روبرو شدند. البته آنها بخاطر خفقان موجود تا راحتی خود را جز در حضور افراد مورد اعتماد آشکارا نمی کردند. کارگرانی که به یکدیگر اعتماد داشتند، اعدام ها را لکه ننگی بر دامن رژیم جمهوری اسلامی خوانده و آرزوی سرنگونی رژیم را مینمودند بی شک شعله های کینه ای که امروز در میان کارگران زبانه میکشد در فردای نه چندان دوری که کارگران به همراه دیگر زحمتکشان و نیروهای خلق، به مقام و مت و مبارزه برخیزند، به نیروی عظیمی تبدیل خواهد شد که بنیاد رژیم را برخواهد افکند.

برای تشکیل انجمن اسلامی دست به دامان ساواکیهای شوند!

مزدوران کارفرما و عوامل حزب، برای تشکیل انجمن اسلامی بدنیاال نمایند - ای از "خانه کارگر" میروند و شخصی بنام شیرخدا را بعنوان نماینده و سخنگو به کارخانه می آورند. دو هفته بعد کارگرانی که برای اعتراض به رئیس انجمن اسلامی به خانه کارگر رفته بودند، میفهمند که فرد مزدور و اواکی بوده و مدت ها در "خانه کارگر" رژیم، مشغول جاسوسی بنفع

سرمایه داران حاکم بوده است. وقتی خمینی حسرت ساواک شاه را میخورد و خیال ساواک ۳۶ میلیونی! خواب راحت را از او ربوده است و مادران را به جاسوسی و لوسو دادن فرزندان فرا میخواند، دست بدامن ساواکی ها شدن برای تشکیلات انجمن اسلامی کارخانه امری طبیعی است!

افزایش فشار و ارباب در کارخانه ها

بدنبال سیاست سرکوب و خفقان وحشیانه ای که رژیم در پیش گرفته، فشار و ارباب در کارخانه ها نیز شدت یافته است. از کارخانه ها به رغبیری داشتیم که کارگران موقع کار حق ندارند حتی یک دقیقه بیرون از محوطه سالن کار باشند. در "خانه کارگر" هم برای هر کارخانه پرونده ای درست شده است قسمت اعظم این پرونده ها شامل اعلامیه ها و است که از بعد از قیام تا کنون در کارخانه ها پخش شده است.

تنگنای مبارز تو همین به مبارزات خود را تحمل نمی کنی

روز دوشنبه ۲ شهریور محمد غرضی وزیر مرتجع نفت که از سفر به خارج بازگشته بود در پایتگاه تهران یک سخنرانی ترتیب داد. حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران و مهندسین پایتگاه در این سخنرانی شرکت کرده بودند. او در ضمن صحبت به اعتصاب کارگران نفت جنوب در زمان قیام اشاره کرده و میگوید: "در آن زمان کارگران نمیدانستند چطور عمل کنند، شیر نفت را کی ببندند و اعتصاب کنند و ... بعد میگوید: "من نوکران کمالاتی هستم که به متحد میروند و نماز میخوانند من همه منافقان و جیبی ها و لایزالها را تصفیه خواهم کرد و بهیچوجه نخواهم گذاشت اینها به شوراها راه پیدا کنند. فقط حزب الهی ها باقی بمانند. شوراها را بدست گیرند". در این موقع یکی از کارکنان مبارز دست خود را از بین جمعیت (بصورت مشت گره کرده) بالا میبرد و او را زده صحبت میخواند و میگوید: "آقای غرضی!

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

”ره نمود به رفقای هوادار سازمان در باره سازماندهی و وظایف هسته‌های وابسته“

ها و حوزه‌های سازمانی سازماندهی شده و آن دسته از رفقا که ارتباط تشکیلاتی با سازمان ندارند، یا حتی خود را توجیه‌آشنا نمی‌دانند، یا با سائیر رفقای سمپا تیزان و هوادارها یکدیگر تماس گرفته و بر اساس ره نمودهای سازمان، خود را متکامل کرده و بوظایفی که برای هسته‌های وابسته تعیین شده است عمل نمایند و در عین حال کوشش کنند تا نزدیک ترین حوزه و کمیته سازمانی ارتباط برقرار نمایند.

هسته‌های وابسته مرکب از ۲-۳ رفیق هوادار تشکیل می‌شود. این هسته‌ها باید از حیث تعداد، تنوع، محدود بوده و نباید بیش از این خود را گسترده نماید و تقسیم کار وسیع و همه‌جانبه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند. این مسأله در شرایط حاکمیت ترور و سرکوب بورژوازی و سطح معمولاً پائین تجارب این هسته‌ها و ضرورت حفظ امنیت و ادامه کاری آنها حائز اهمیت است و اکیداً باید مراعات شود.

هسته‌های وابسته اساساً بر مبنای سلولهای موسسه‌یمنی در کارخانجات، روستاها، آموزش، ادارات (م) و... و محلات تشکیل میشوند. اما در عین اینکه حتماً تخصصی فعالیت خود را حفظ کرده و در یک رشته از فعالیت بطور عمده مشغول میشوند، میتوانستند بطور حاشیه‌ای به سایر وظایف نیز بپردازند.

روشن است که رفقای حقیقی عضویت در هسته‌های وابسته را دارند که از نظر سیاسی - ایدئولوژیک دارای وحدت با سازمان باشند و مواضع سیاسی - ایدئولوژیک آنها بپذیرند. در غیر این صورت وحدت هسته‌ها بدار نموده و از جهت

را بطنه با تشدید بی سابقه سرکوب و اختناق ناگزیری تغییر اشکال کار و فعالیت تشکیلاتی نبوده و اساساً مربوط میشود به عدم گسترش حوزه‌های سازمانی در کلیه موسسات و شهرها و بخشهای مختلف کشور. از این رو ره نمود ما درباره هسته‌های وابسته ”تا ظرف دوره گذشته نیز میباید شد و شرایط جدید و حاکمیت بیش از پیش ترور و سرکوب رژیم، این مسأله را بطور ماضع و با تأکید بیشتری مطرح نموده و تعبیراتی را در اشکال خاص آن ایجاد می نماید.

هسته‌های وابسته صرفاً در مناطق و آن دسته از موسساتی تشکیل میشود که سازمان در آنجا دارای حوزه سازمانی نیست. موسساتی که سازمان در آنجا حوزه سازمانی دارد، هواداران و سمپا تیزانهای سازمان در اطراف این حوزه‌ها سازماندهی شده و بوظایفی که از سوی حوزه در رابطه با رهبری جنبش توده‌ای، تبلیغات، ترویج بحث و... معده آنها گذارده میشود، فعالیت می کنند و با آن دارای ارتباط فعال تشکیلاتی (در مقایسه با هسته‌های فرعی وابسته) هستند. به این ترتیب فعالیت سازمان در بسیاری از شهرها - های کوچک، بخشها و روستاهای کشور و موسسات غیر کارگری و حتی کارگری توسط این هسته‌ها پیش خواهد رفت و سازمان نیروی اصلی تشکیلاتی خود را در مناطق صنعتی و مناطق موسسات مهم و درجه اول و بویژه در میان پرولتاریای پیشرو ایران بکار خواهد گرفت و در جریان گسترش فعالیت خود با برسیاست گسترش جوش و متناصب با رشد و تکامل این هسته‌ها، با آنها تماس فعال تشکیلاتی گرفته و آنها را بطرح حوزه ارتقاء خواهد داد. هسته‌های وابسته بحث بسیار مهمی از رفقای

هوادار را ایجاد آنها که هم اکنون در رابطه تشکیلاتی با سازمان هستند و جد آنها که دارای چنین ارتباطی نیستند در بر میگیرد. آن دسته از رفقا که دارای ارتباط تشکیلاتی با سازمان هستند توسط خود کمیته -

در بحبوحه کشتاکش انقلاب و ضد انقلاب، رژیم کوشیده و میکوشد تا برای حفظ حیات سیاسی خود به تنها راه ممکن یعنی سرکوب و ترور روی آورده و هرگونه حرکت مخالف خود را به شدیدترین وجهی مورد حمله قرار دهد. اما این ترور و سرکوب بیش از آنکه بیا نگر قدرت و استحکام موشبات سیاسی رژیم حاکم باشد، بیا نگر ضعف و زبونی او از پاشخوئی به خواسته‌های اساسی توده‌ها و بیان رشد با زهم بیشتر مبارزه طبقاتی و درود روشنی توده‌های وسیع تر کارگران و

زحمتکشان با رژیم منفور جمهوری اسلامی است. این درست است که تشدید سرکوب و خفقان خود بنحوی غیر قابل انکاری موجب کند شدن آهنگ حرکت اعتراضی توده‌ها و عقب نشینی موقت آن شده است، اما بسیار اشتباه خواهد بود اگر تصور شود که این کندی و عقب نشینی مدتی طولانی ادامه خواهد داشت و رژیم نتواند سرکوب جنبش و شکست آن و تثبیت خود را زکشت دوره رکود موقت خود. آرامش کنونی، آرامشی موقت و در واقع آرامشی قبل از طوفان است. کوچکترین تردیدی نمیتوان داشت که در آینده‌ای نه چندان طولانی، جنبش توده‌ای سربلند خواهد کرد و در سطحی گسترده تروپا مضمونی عمیق تر از گذشته، به پیش خواهد رفت و ظوماً رژیم جمهوری اسلامی را درهم خواهد بودید.

با توجه به شرایطی که بندگان اشاره‌اند، مضمون وظایف نیروهای کمونیستی و از جمله سازمان ما در این مقطع در اساس خود در مقابله با کدسدها و بی‌بکرده و آنچه که در خارج بر سر کرده و با دیدان توجه داشت، سیوهای کاراکتال سازماندهی، افزایش در حد محقی - کاری و... میباشد. با اینهمه ره نمودی را که ما در شرایط کنونی در باره سازماندهی و وظایف بحث بسیار مهمی از هواداران و سمپا تیزانهای سازمان بحث عنوان ”هسته‌های وابسته“ مطرح میکنیم، اساساً در

(م) - از آنجا که رفقای هوادار دانش خود را از آموزش سازمان، در سازمان مسئول خود یعنی سازمان دانشجویان و دانش آموزان سکار متشکل میباشد. این طرح شامل این دسته از رفقای

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

تشکیلاتی نیز قابل دوام نخواهد بود.

رابطه تشکیلاتی نیز هسته‌های وابسته به سازمان، نه یک رابطه تشکیلاتی فشرده و نزدیک، بلکه یک رابطه محدود و نبوده و عمدتاً از طریق دریافت گزارش‌های ماهیانه هسته‌ها - میگیرد. اساس ارتباط سازمان با هسته‌های وابسته، ارتباط سیاسی - ایدئولوژیک بوده و از طریق پیکار و روش‌های مختلف انجام میگیرد. سازمان با انعکاس نظرات سیاسی ایدئولوژیک خود، تعیین شعارهای حش کارگری، توده‌ای، رهنمودهای مربوط به سازماندهی جنبش توده‌ای، مسائل تشکیلاتی، امنیتی و... آموزش هسته‌های وابسته را به بیش برده و در این زمینه نشریه پیکار نقش رهبری را برای این هسته‌ها ایفا میکند.

هسته‌های وابسته باید در محدوده وظایف خود و بعنوان یک هسته وابسته به سازمان تابع اصول سازمانند و موکراتیک باشند و از این طریق از انضباط بالائی برخوردار بوده و استحکام و زندگی خود را تأمین نمایند. تصمیمات باید بصورت جمعی اتخاذ شود و اقلیت از تصمیمات اکثریت تبعیت نماید و اختلاف نظرات را صرفاً در عرصه مبارزه ایدئولوژیک روشن نمایند و در غیر این صورت هسته وابسته دچار لیبرالیسم شده و عملاً برای و کار - آبی خود را از دست داده و به یک محفل روشنفکری تبدیل میشود.

هسته‌های وابسته میتوانند نام مشخصی مثلاً نامی شهدای سازمان و شخصیتی برجسته جنبش کمونیستی بین المللی و ایران را برای خود انتخاب کرده و به همین نام فعالیت خود را انجام دهند.

وظایف هسته‌های وابسته

الف - وظایف و ضوابط تشکیلاتی هسته

۱- آموزش و مبارزه ایدئولوژیک : برای تأمین ۲ مروج و سیاسی - ایدئولوژیک هسته سازمان و تأمین وحدت درونی هسته و استحکام تشکیلاتی آن بر مبنای مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، آموزش مواضع سازمان و مبارزه ایدئولوژیک درون هسته حائز اهمیت فراوانی است. هسته موظف

است بر اساس رهنمودهای سازمان در این زمینه بطور فعال آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را در دستور کار خود قرار دهد.

۲- انتقاد و انتقاد از خود: یکی از خصایل بارز کمونیست‌ها، انتقاد و انتقاد از خود است. هر فرد کمونیست موظف است به اشتباهات و خطاهای خود و دیگران توجه کرده و ضمن درس آموزی از آنها، با این اشکافات و اشتباهات بطور جدی و قاطعانه مبارزه نماید. انتقاد و انتقاد از خود، سلاح پرولتاریا برای تأمین استحکام و آبدیگری سازمان خویش است. بدون این سلاح تشکیلات پرولتاریا از برندگی و قاطعیت لازم بی بهره است. لذا هسته وابسته باید مراعات انتقاد و انتقاد از خود را بعنوان یکی از وظایف درونی، بطور جدی در مدنظر داشته باشد.

۳- آموزش نظامی و ورزشی: آموزش نظامی و ورزشی و ورزش و کلا آمادگی بدنی و نظامی از مهمترین فعالیت‌ها و وظایف هسته وابسته است. ورزش صبحگاهی، کوهنوردی و آموزش نظامی باید بطور جدی در دستور کار هسته قرار گیرد.

۴- رعایت صوابیت امنیتی: هسته باید در چهارچوب وظایف مشخص، اصول مخفی کاری و امنیتی را کاملاً رعایت کرده و بدین وسیله حیات و ادامه کاری هسته را تأمین نماید. اصول مخفی کاری برای هسته علیرغم ایجاب محدودیت‌هایی در فعالیت توده‌ای، برای تداوم مبارزه و کار توده‌ای هسته و استحکام آن کاملاً لازم و ضروری است. کوچکترین غفلت در اجرای ضوابط و اصول مخفی کاری، هسته را به تلاشی خواهد کشاند. لذا آموزش اصول مخفی کاری و فن مبارزه با پلیس سیاسی، از وظایف مهم هسته را تشکیل میدهد که باید بطریق رهنمودهای مشخص سازمان انجام گیرد.

۵- گزارش نویسی: هسته وابسته موظف است که هر یک ماه یکبار از فعالیت درونی و بیرونی خود در عرصه‌های مختلف گزارش‌های تهیه کرده و به سازمان ارائه دهد. در این گزارش فعالیت هسته، اسکا لات و سوافس کار، پیشرفتها و پیشیادات بطور خلاصه نوشته شده و میبایست از درج هرگونه اطلاعات و مسائل امنیتی در آن خودداری شود.

ب- وظایف بیرونی هسته

۱- تبلیغ: مهمترین بخش فعالیت یک هسته وابسته، فعالیت

تبلیغاتی است. بویژه در شرایط فعلی که رژیم میکوشد با حاکمیت جو خفقان و سرکوب و جنوکیستی از فعالیت تبلیغاتی و انتشاراتی گروه‌های کمونیست و انقلابی، توده‌ها را از حقایق و واقعیات جامعه دور نگه دارد و متقابلاً فعالیت تبلیغاتی وسیع اذهان توده‌ها را دچار انحراف و گمراهی نماید، رساندن اخبار و گزارشات جنبش کارگری و توده‌ای و نقطه نظر و مواضع سیاسی سازمان و برنامهداخل پرولتاریا به زحمتکشان و آگاه‌ساختن آنها نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات و خیانت‌های ارگانهای مختلف و سردمداران رژیم و بویژه شخص خمینی، افشای رویزونیست‌ها و همکاران صمیمانه - شان با رژیم حاکم و همچنین افشای لیبرالها و اقدامات جنایتکارانه و ضد خلقی آنها از فردای قیام به اینسو و همکاری صمیمانه‌شان با جناح حزب جمهوری اسلامی و نمایندگی چهره‌ها کارانه آنها به توده‌ها و در همین رابطه افشای آلترنا تیبولیرالی - بنی - صدمها هدین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

وظایف تبلیغاتی هسته وابسته را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

الف - تکثیر اعلامیه، تراکت و مقالاتی از پیکار که برای تکثیر تعیین میشود. هم‌اکنون که سازمان قاعدنیست و اصولی هم نیست که اعلامیه و تراکت و نشریه پیکار را در تیراژ وسیع تکثیر نماید، این وظیفه هسته‌های وابسته است که با تهیه ساده ترین وسایل چاپ و تکثیر با دریافت حتی یک نسخه از نشریه و اعلامیه سازمان به سرعت و به میزانی که امکان پخش آنرا دارند، آنها را تکثیر نمایند و از این طریق تیراژ اعلامیه‌ها و مطالبی از پیکار که باید پدیدست و سیعترین قشرهای توده‌ای برسد بنحو وسیع بالا ببرند.

ب - توزیع و پخش نشریات: توزیع و پخش نشریات پیکار یکی از مهمترین و حساس ترین وظایف هسته‌های وابسته است. بدون رساندن اعلامیه‌ها و نشریات سازمان بدست کارگران و زحمتکشان کوچکترین سخنی از کار توده‌ای و شرکت در جنبش توده‌ای نمیتواند در میان باشد. بدون این کار، تمامی فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان بی نتیجه خواهد ماند. کار پخش، بخصوص در شرایط خفقان

کنونی، با بیدبختی و محاسبات شده و با ترکیب مناسب و مخصوص در مناطق توده‌ای صورت گیرد. علاوه بر پیش اعلامیه و تراکت و منتخبات پیکار، با بیدبختی پیکار و دیگر نشریات سازمان را که بدست هسته‌ها می‌رسد بطور منظم به آدرس کارگران پیشروی که می‌شناسند برسانند.

ج - شعار نویسی: اهمیت شعار نویسی در مقایسه با گذشته تنها کم نشده بلکه به مراتب افزایش یافته است البته در شرایط فعلی نوشتن شعارهای درشت و طولانی بر روی دیوار، خطرات بیشتری را در بر دارد و همین روش را نویسی با بیدبختی متوسط ماژیک بر روی کیوگ - های تلفن و نقاط مشابه آن و با بصورت تراکتهای چسب دار، صورت گیرد. شعارهایی که با بیدبختی نوشته شود، مرتباً توسط نشریه پیکار - ارائه خواهد گردید.

د - تبلیغات توده‌ای: هسته - های وابسته علاوه بر تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و نشریات سازمان، میتواند در بیدبختی با محیط فعالیت خود در موسسه به تهیه و تکثیر تراکت و اعلامیه‌های ساده و به امضای هسته‌پرداز زند.

۲- ترویج: از جمله وظایفی که بر عهده هسته‌ها (البته با توجه به امکانات هسته) قرار دارد، ترویج مواضع سازمان و متون پایه‌ای مارکسیسم برای کارگران پیشرو و آگاه است. هسته‌های وابسته باید بر اساس رهنمودهای آموزشی سازمان و مقالات آموزشی ای که در پیکار درج میشود، نقش فعالی در بالا بردن آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران پیشرو ایفا نمایند.

۳- سازماندهی جنبش توده‌ای: شرکت در مبارزات صنفی سیاسی کارگران و دیگر زحماتشان چه در کارخانه و دیگر موسسات و چه در محلات و ارتقاء سازماندهی این مبارزات، از مهمترین وظایف هسته‌های وابسته است و اصولاً وظایف تبلیغی و ترویجی که در بالا آن نام بردیم اساساً در ارتباط با این وظیفه قرار می‌گیرد. این مساله بخصوص در شرایطی که - سازمان - افساد موجود، فقر و فلاکت توده - ها، سرکوب عریان و خشن رژیم جمهوری اسلامی و فراشار آگاهی نوده‌ها، زمینه‌های عینی و ذهنی حرکت‌های اعتراضی وسیع توده‌ای را در آینده چندان دور فراهم خواهد ساخت، اهمیت باز هم پیشروی مبارزات و رفع مشکلات در هسته‌های وابسته وظیفه دارند با استفاده از تمامی امکانات، حدود

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله ۵۵۵

توده‌ها داشته و در مسیر بروز عینیتی مقاومت اعتراض توده‌ها در اشکال آشکار و توده‌ای خود، مانع ایجاد کرده است. توده‌ها اکنون نظاره گر نبرد بی‌امانی هستند که میان ضد انقلاب مسلح از یکسو و نیروهای مخالف و انقلابی مسلح از سوی دیگر ادامه دارد و خود در آن صاحب هیچ نقش موثر و حضور مفیدی نیستند.

این درست است قدرت سیاسی از درون لوله تفنگ بیرون می‌آید اما از درون لوله تفنگی که در دست توده‌های بی‌باخته و قیام کنندگان مردم که رهبران در پیشانی آن قرار دارند، باشد. تفنگ در شرایط فعلی عمدتاً نه تنها در دست توده‌ها قرار ندارد بلکه هنوز به چنان درجه‌ای از آمادگی نرسیده اند که تفنگ را در دست گیرند. البته میتوان کودکان را در دست گرفتن در طی یک عملیات ویژه قدرت سیاسی را بدست گرفت اما این قدرت سیاسی نه مطلوب زحمتکشان بلکه حداکثر انتقال قدرت از دست یک جناح بدست جناح دیگر بر وزوای در چهار چوب حفظ همان نظام سیاسی (ولاجرم اقتصادی) موجود است و اتفاقاً خط مشی مجاهدین و بنی صدر نیز در حال حاضر بر همین امر نظر دارد. بنی صدر دریکی از سخنرانی‌هایش گفته بود که با از بین رفتن ۵ تن از رهبران درجه اول هیئت حاکمه (که دونفر آنها در طی انفجار از بین رفتند - یعنی رجائی و باهنر) رژیم سقوط خواهد کرد! صرف نظر از درستی یا نادرستی این ادعا این گفته بخودی خود نشان میدهد که بنی - صدر خواهان چه نوع سرنگون کردن و در پی چه نوع حکومتی است. او خواهان «جمهوری اسلامی» است که وی رئیس جمهورش باشد، اگر خمینی هم به چنین «جمهوری» ای تمکین نمود، بر او تعرضی جایز نخواهد بود! انتقال قدرت از دست یک جناح از بر وزوای بدست جناح دیگر! این است آنچه بنی صدر و رهبران مجاهدین در شرایط فعلی در پی آن هستند. و اکنون مجاهدین نیروهای نظامی خود را به میدان میفرستند تا لابد بنا بودی این -

را ادامه دهند استقبال از جنبش توده‌ای شرکت فعالانه در آن و ارتقاء و سازماندهی این جنبش نمایند. ۴- تا مین تدارکات: سازمان در شرایط فعلی، بیس از هر موقع دیگر و به ویژه پس از ضربات اخیر - نیازمند کمک‌های مالی، تدارکاتی در زمینه‌های مختلف می‌باشد و بخش اعظم این تدارکات باید از طریق

پنج نفر "این کودکان را به نفع بنی صدر و یا هر شکل رژیم بر وزوای دیگر به انجام رسانند. چنین هدفی در خط مشی سیاسی، با چنین تاکتیکی در شکل مبارزه، دقیقاً در تضاد با حق قرار گرفته است.

علاوه بر این روشن است که بی - آمادگی ضربات سنگین بر رژیم و این عملیات نظامی بزرگ (و نیز اشکال کوچکتر آن)، بدلیل عدم انطباقش با تناسب قوای موجود آمادگی ذهنی و عینی توده‌ها تنها دست رژیم را در افزایش درجه اختناق و سرکوب و گشتا رودریک کلام گسترش تروریسم ضد انقلابی دولتی با زور خواهد کرد. و بیش از پیش وی را در نابود کردن ضربه وارد آوردن به نیروهای جنبش و عموماً صراحتاً و کما در - های انقلابی جنبش جری - خواهد ساخت. افزایش می‌توان کشتارها، اعدام‌ها و سارت‌ها در روز - های اخیر بعد از انفجارها را یکی از این واقعات است. این عملیات ما چرا جواب ندهد و کودکان گرانه - نه نظارت بر ضرورت بسیج توده‌ها و بر - انگیزش و ارتقاء و سازماندهی مقاومت اعتراضی توده‌ها بر برای درهم شکستن تعرض رژیم ضد انقلابی حاکم را در نه می‌تواند ندانند و هسته‌های آگاه و کارگران رهبری کننده توده - ها را که جنبش بدون آنها نمی - تواند گام موثر در جهت ارتقاء بر - خود بردارد و بدون آنها هیچ سخنی از پیروزی جنبش نمی‌تواند در میان باشد، حفظ نمایند و امکان ایجاد ارتباط محکم میان عناصر و نیروهای آگاه و جنبش خود بخودی و اعتراضی توده‌ها را فراهم آورد. بالعکس در همه این زمینه‌ها موانع و سدهای جدی ایجاد می‌نماید و ایجاد خواهد کرد. به همین جهت هر چند که این عملیات حتی موفق به نابودی کلیه سران رژیم هم شود و حتی حداکثر امکان با بد که هیئت حاکمه فعلی را ساقط نمایند تنها یک کودتا انجام داده است، کودتائی که بی شک تنها کسانی که هیچ نفعی از آن نخواهند برد توده‌های محروم جامعه هستند، همانهایی که قبل از آن نیز در محاسبات تاکتیکی، صاحب هیچ نقش و دخالت موثری نبوده‌اند

امکانات توده‌ای تا مین شود. از اینرو یکی از وظایف هسته‌های وابسته تا مین این تدارکات و استفاده خود و همچنین در اختیار قرار دادن آنها به سازمان میباشد در این مورد در رقابت با بیدبختی طرده شده باشند که مهمترین وظیفه تدارکات، پیگیری در کشف و یافتن این -

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱۶ رفیق ۵۵۵

مبارزاتی و ایما سی سرشار به پیروزی زحمتکشان همراه با دانشجویان مبارز دیگر در اعتراضات تحصن ها و مبارزات گستران کارخانجات تهران شرکت میکرد. او که با تمام وجود خواهان بریدن از طبقه خویش و پیوستن به صفوف رزمندگان زحمتکشان بود صادقانه به زندگی و فعالیت پرشور در میسان آنان پرداخته از نزدیک با رنجها و محرومیت های زندگی رنجبران ایران که در زیر استعمار وحشیانه سرمایه داران به فلاکت و بدبختی افتاده بودند آشنا شد. خصایل والا و انقلابی پرولتاریائی قهرمان ایران را با زشناخته با کسب ایدئولوژی و آرمانهای پرولتری هر لحظه بیش از پیش خود را متعلق و وابسته به صفوف رزمندگان زحمتکشان میدید. رفیق که از همان ابتدای فعالیت در میان طبقه به ضرورت کار منظم تشکیلاتی پی برده بود، با مبارزه و طردن نظریات و تشکیلات راست و اپورتونیستی، مبارز و ملاک انتخاب خود را پراتیک و فعالیت انقلابی سازمانها بر مبنای وفاداری به ما رکیسم - لنینیسم و مرزبندی قاطع با رویزیونیسم قرار داده و به همین دلیل بود که با شور و اعتقاد فراوان و افتخار آمیز به صفوف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست و از آن لحظه به بعد به عنوان یک کمونیست پیکارگر، آگاهانه و با انرژی و ایمان بی پایان به مبارزه و فعالیت خود را به انجام میرساند.

رفیق همراه با رفقای دیگر در میان زحمتکشان شهرک ولی عصر زندگی و فعالیت کرده به آنان عاطفه بسیار عمیقی داشت و با ایمان به رسالتشان به آگاه کردن آنان میپرداخت با سداران جیل و سرمایه این حاکمان رژیم سرمایه داری و مرتجع جمهوری اسلامی رفیق را یکبار زمانی که مشغول بحث اعلامیه بود دستگیر کرده و به زندان بردند. اما او همانند تمام کمونیست های راستین، لحظه ای انگیزه و هدف مبارزاتی خویش را فراموش نکرده با هوشیاری و جسارت تمام مدارک و اطلاعات خود را از بین برد و سرانجام با سوراخ کردن دیوار زندان شانه موفق به فرار شده بود و با خواندن سرودها و اشعار انقلابی در میان راه برای هزارمین بار به دژهای رژیم ثابت نمود که کمونیستها از سرشت ویژه ای هستند و اراده و استقامت آنان همچون فسولاد آبدیده است.

رفیق که در این اواخر در قسمت توزیع تشکیلات تهران و با موضع سازمانی کاندید عضو فعالیت مینمود در جریان حمله وحشیانه اخیر ارتجاع، با ردیگر به زندان افتاد. اما این بار او هیچگونه تزلزلی به خود راه نداد استوار به پیش رفت و در آخرین لحظه با هوشیاری کمونیستی خود موفق به نجات جان برخی از رفقای سازمان گردید. رفیق تا در رفیق صمیمی با احساس مسئولیت جدی بود. در همانک کردن و ارگانیزه کردن کار جمع فعالیت چشمگیری نمود. رفیق منضبط و دقیق بود شور انقلابی و اعتقاد عمیقش به آرمان طبقه کارگر و ضرورت پیشبرد بدون وقفه مبارزه طبقاتی موجب میشد که رفیق با همکاری سایر رفقا، در این قسمت، از هیچ کوششی برای ادامه کار فعالیت انقلابی و رساندن نشریات و اعلامیه های سازمان بدست توده ها فروگذار نکند. رفیق با بینش سیاسی و تنبلی بیانی که داشت علمبر غم سنگینی و ظریف عملی اش از برخورد به مسائل سیاسی، ایدئولوژیک سازمان غفلت نمی ورزید. او میگوید: «پراتیک انقلابی را با تعمیق اندیشه های کمونیستی خویش پیوند زده یک پیکار یک شایسته تشکیلات کمونیست»

پرولتاریا با شد. او سرانجام بدست پاسداران جلاد خمینی همراه با عده ای دیگر از رفقای کمونیست اش به جوخه آتش سپرده شد. آنها بخاطر پیروزی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق عاشقانه گلوله های سربی را پذیرا شدند اما پاد و راهشان جاودانه سرخ باقی خواهد ماند. با وجودیکه گلوله های آتشین جلادان قلب گرم و سرشار از عشق و محبت او به زحمتکشان را آماج تیرهای خود قرار دادند ولی هرگز نتوانستند راه سرخ او را که با خون صدها چون او گلگون گشته است و هدف او سایر رزمندگان انقلابی را نابود نمایند او همانطور که زمانی به یک کسی از رفقا پیش گفته بود از مرگ خویش حماسه ای جاودانه ساخت: «اگر روزی مرا در مقابل جوخه اعدام قرار دهند، احساس با شکوه خواهم داشت و در آخرین لحظه با مشت های گره کرده و با تمام وجودم فریاد خواهم زد: زنده باد سوسیالیسم!»

بادش گرامی باد!

رهنمود ۵۵۵

امکانات وجدی گرفتن هر چند بظا هر کوچک و کم اهمیت و جهت دادن آنها در رابطه با نیازهای سازمان میباشد.

۵- کسب اطلاعات: از جمله وظایف مستمر هسته های وابسته کسب اطلاعات از وضعیت درونی ارگانهای اداری و سرکوب دشمن (بویژه ارتش، سپاه پاسداران، کمیته ها) و موقعیت احزاب و گروه های ضد انقلابی است، این اطلاعات که شامل نقاط قوت، ضعف، تضادهای درونی، برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت، شیوه ها و اسلوبهای کار، بهره های مهم و موثر این ارگانها و احزاب میباشد میتواند سازمان را در بررسی و تحلیل های سیاسی، شیوه ها و ضوابط امنیتی و اقدامات نظامی در آینده یاری رساند.

۶- ارسال اخبار و گزارشات: نشریه پیکار، بدون داشتن صدها و حتی هزاران خبرنگار توده ای که نشریه را در جریان اساسی ترین مسائل و رویدادهای جنبش قرار میدهد، هیچگاه نمیتواند به وظایف سیاسی و تبلیغی خود ادامه دهد. این مساله بخصوص در شرایط خفقان کنونی اهمیت بازمی یابد. بیشتر پیغامها، از اینرو یکی از وظایف روزمره و عمومی هسته های وابسته و بویژه هسته های که در کارخانجات و موسسات مهم فعالیت میکنند، ارسال اخبار و گزارشات منظم برای نشریه پیکار نزدیک ترین وسیله ارتباطی ممکن می باشد. رفقا باید توجه داشته باشند که اخبار و گزارشات ارسال باید خلاصه، کامل و موثق باشد و در صورت عدم موثق بودن کامل درجه موثق بودن آنها را روشن نمایند.

رفقا! مادر شما ره های آینده پیکار در برابر ره های هوادار درونی و بیرونی هسته های هوادار رهنمودهای تفصیلی خود را با شما در میان خواهیم گذاشت.

پیروز با شید!

رفقا!

در نتیجه تهاجم مغول و رژیم و اعدای دستجمعی و بیشتر ما را برای شمردن شهیدان و بررک داشت آن عزیزان نیست. وظیفه کمونیستی و انقلابی ایجاب می کند که هر اطلاعی از زندگی و مبارزه این رفقا دارید، با خاطره یا ... برای تحریر بفرستید.



به فتوای خمینی، اینچنین باید شکنجه کرد!

در شماره ۱۱۵ پیکار نوشتیم که بدنبال فتوای خمینی داکتر "لالا بودن شکنجه" انقلابیون و کمونیستها، رفیق کریم ساعی، کمونیست پیکارگری که ۸ سال از عمر خود را در مبارزه گذرانده بود، در زیر شکنجه جلادان خمینی به شهادت رسید. در شماره ۸۸ "راه کارگر" مورخه ۲ شهریور ماه شرحی از شکنجه رفیق شهید کریم ساعی درج شده است که ما از آن، متن زیر را اقتباس کرده ایم.

پس از ۴ روز اسارت در زندان (تبریز) او را که در آستانه مرگ قرار داشت و بدنش خرد و در هم پیچیده بنظر میرسید به بیمارستان منتقل کردند و دولی بعثت ضربات شدیدی که بر قفسه سینه اش وارد آمده بود به احتقان حاد ریوی مبتلا شده و در بیمارستان درگذشت. تمام بدن رفیق از آثار ضرب و جرح به رنگ کبود درآمده بود. چشم در اثر ضربات وارده شدیداً متورم بود، بینی و یکی از بازوهایش را شکسته بودند. استخوانهای سینه اش بسختی آسیب دیده بود، روی شکم جای سوختگی بود، خون استفراغ میکرد و تورم و خون مردکی در بسیاری از نقاط بدنش کاملاً مشهود بود. با سدا رجنای پیکاری که از او در بیمارستان محافظت میکرد بدون توجه به وضع وخامت با روحالت احتضار در درناک او میگفت: "چطوری آقای ساعی باز هم کتاب می خوانی؟" و در پاسخ پرستاری که پرسیده بود "چرا این جوان را به این رورانداختید" گفت: "چون این آقا کمونیست است و ما با تمام کمونیست ها همین رفتار را خواهیم کرد". یکی از خواهران زینب "ما مور شده بود که پرستاران بطور محدودیه او سر بزندان و هیچ گفتگویی با وی نداشتند."

گسرامی با دیبادت ای رفیق کمونیست
شنگ و نفرت و مرگ بر جلادان خون آشام است!

★ ★ ★ ★ ★

رفقای "راه کارگر" در ذیل خبر فوق شرحی از شکنجه یکی دیگر از رفقای ما آورده اند که آنرا عیناً نقل میکنیم:

"یکی از رفقای دختر هواداران پیکار که در تبریز تبریربان شد بطرز وحشتناکی شکنجه شده بود با اطوی داغ آنقدر بر بدنش کشیده بودند که سرتا سر سوخته بود و سینه هايش کاملاً صاف شده بود. زنی که برای تحویل گرفتن جنازه برادرش آمده بود، بلا مشاهده بیکر تغییر شکل داده این رفیق پیکارگر آنگنان میبوت مانده بود که پاسداری با قنداق

تفنگ او را مورد حمله قرار داد که: "توصیط حق داری به جنازه مال خودت بکا ه کنی". اعدام این رفیق - جسرو ۶ تن از هواداران دیگر را زمان پیکار از رادیو اعلام نشده بود. بنا بر این خواهرا این شهید در مقابل زندان، شکنجه و اعدام فجیع رژیم را برای همه توصیح میداد و میگفت: "قسم خورده ام هر کجا جمعی را ببینم این اقدامات فاشیستی رژیم را افشا بام."

خبر دیگری هم حاکی است که برخی از زنان که در مرده شور خانه بهشت زهرا کار میکنند، بدلیل آنکه مکرراً با اجساد تکه تکه شده دختران افغانی مواجه شده اند، دچار نوعی بیماری عصبی شده اند.

از هر طریق ممکن

رفقا!

با تقدیر از کمک های

برای سازمان

مالی شما،

لر سال نمایسید •

کمک های مالی خود را

بقیه از صفحه ۱۴ آدمکشان ۰۰۰
حرب الهی های محل که از این همه
استقبال عمومی وحشت کرده
بودند هادی غفاری سردسته
جماقداران را خبر میکنند. غفاری
همراه ۲۰۰ - ۳۰۰ ملج به محل
آمده و حمله هایی که برای سوکوار
گذاشته بودند خرد میکنند و با چند
ما نور محل را ترک می نمایند این
حادثه اوایل شهریور اتفاق افتاده
است.

دادگاه های فاشیستی حکومت خمینی نابود باید گردد!

دمکراسی انقلابی یا دمکراسی بورژوازی ضد انقلابی!

نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"

زنند، و در عین حال همان شاعری که هیات حاکمه، یعنی دشمن کنونی بنی مدروسا زمان مجاهدین، نیز در زیر آن سینه میزند و آن را به شمار اساسی حکومت خویش تبدیل نموده است. پس گره کار در کجاست؟ چگونه میتوان از درهم ریختن ملک ها و معیارها جلوگیری نمود؟ چگونه میتوان مفهوم واقعی عبارت و کلمات آشکار ساخت؟ مسئله این است که یک حزب و نیروی سیاسی (و ایضا یک شخصیت محترم و متعهد) رانه از روی گفتار و بلکه از روی کردار واقعی اش میتواند و میبایست شناخت. معنای واقعی کلمات و گفتارهای یک حزب و یا رهبر سیاسی را حتی اگر زیبا ترین کلام هم باشد تنها با حروف اعمال و کردار گذشته و حال وی میتوان هجی کرد و معنای واقعی اش را دریافت: "برای آنکه بتوان به ما هیت مبارزه، حزبی بی بردن بایده گفتار و برداشت و بلکه بایده تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آن چیزی باشد که خود احزاب درباره خود میگویند، بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل میکنند، و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند و در امور که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره به میان می آید، چگونه رفتار می نمایند." (لنین - احزاب سیاسی در روسیه) "میثاق" نامه ای که پای به اختلاف مجاهدین و لیبرالها، قرار گرفته است، صرف نظر از آنکه در جای خود، رد پای منافع و مطالبات بورژوازی لیبرال را در خود دارد، اما یک برکه کاغذی تر است که با کلمات زیبا بر آن اهداف و برنامهای زیبا را نقش بسته اند.

این همان کلمات و عباراتی

جمهوری اسلامی را نگاه کنید، کمتر کلمه ای در میان کلمات فوق می توان یافت که رژیم خود را سمبل آن در جهان نداند. طرفداران و تشهترین "انقلاب" هاست (انقلاب اسلامی)، خود را پیگیرترین رژیم استقلال طلب و ضد امپریالیست در مقیاس جهانی که میداند، خود را طرفدار پیگیرترین نوع آزادی و دمکراسی (البته بدون بکارگرفتن این کلمه، چون آن را غربی میدانند) و تازه آنهم آزادی و دمکراسی برای زحمتکشان، و نه نوع لیبرالی آن میدانند. و اتفاقاً درست با تکیه بر همین عبارت پردازیها و انجام برخی اقدامات و فرمها، توانست به مدت دو سال زنده نگه دهن بسیاری از کارگران و زحمتکشان را نسبت به ما هیت خویش آشفته سازد، بلکه حتی اذهان بسیاری از نیروهای دمکرات، منجمله خود سازمان مجاهدین و یا نیروهای جنبش کمونیستی را نیز پیرایش نماید. بطوریکه تا همین دیروز مجاهدین از "مشروعیت" رژیم سخن می گفتند و آیت الله خمینی را به "انقلاب" و "اسلام" و "آزادی" قسم میدادند. آری کلمات همواره مورد سوءاستفاده فراوان قرار گرفته اند، و اکنون آقای رجوی با اظهار "توافق" سازمان خویش با بنی مدروینی صدره های طرفدار "دمکراسی" و نفی کننده "استبداد خمینی"، ما به بیشترین و عظیم ترین سوءاستفاده را از این کلمه فراهم میسازد.

البته بنی مدرو در میثاق از توافق بر سر این نکته فراتر رفته است و "استقلال" را هم میسازد "نکته" و یا به اساسی این "توافقات" اعلام کرده است و بدین ترتیب شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را کارپایه اتحاد و ائتلاف کلیه نیروهای معتقد و متعهد به مفاد "میثاق" قرار داده است، همان شاعری که اکنون سازمان مجاهدین و بنی مدرو مشترکاً تحت لوای آن سینه می -

آقای مسعود رجوی چندی پیش در مصاحبه ای با روزنامه لوموند در فرانسه، در مورد بنی مدرو گفت: "سازمان ما با آقای بنی مدرو بر سر یک نکته توافق کامل دارد و آن دمکراسی و نفی دیکتاتوری در ایران است." اگر آقای بنی مدرو میخواست تن به دیکتاتوری و استبداد آیت الله خمینی بدهد، امروز هنوز رئیس جمهور بود.

این "توافق" بر سر "دمکراسی" امروز کینه ما هیت خط مشی سیاسی سازمان مجاهدین را آشکار میسازد که بر پیمان نامه "میثاق جمهوری اسلامی ایران" (به قلم بنی مدرو) استوار گشته است.

دمکراسی، این کلمه از جمله کلمات و عباراتی است که در تاریخ مورد سوءاستفاده فراوان قرار گرفته است و طبقات و نیروهای اجتماعی مختلف منافع بکرات آن را به پوششی برای استعاره و شی و منافع طبقاتی خویش تبدیل نموده اند، همچنان که کلماتی مانند "انقلاب، آزادی، استقلال، جمهوری، سوسیالیسم" و چنین بود، و چنین میباید.

در تاریخ کسانی مانند پیرو جلاذ کمون پاریس را می شناسیم که در انقلاب فوریه فرانسه، پس از برآمدن انقلاب خلق، خود را طرفدار انقلاب نامید و گفت که "من متعلق به حزب انقلاب" است، در تاریخ نمونه سوسیال دمکرات ها شایع است و نمونگی در... را می شناسیم که خود را "سوسیالیست" مینامیدند، اما در آلمان ۱۹۲۰ پیش از ۱۵۰۰۰ نفر از کمونیست ها و کارگران انقلابی را قتل عام نمودند. در تاریخ بیسمارک را می شناسیم که نماینده بورژوازی بزرگ سلطنت طلب بود، اما خود را "سوسیالیست" میخواند، و با دولتی کردن بخش مهمی از اقتصاد سرمایه داری آلمان نظام خویش را "سوسیالیستی" اطلاق میکرد، در تاریخ معاصر نمونه کشور های "اروپای آزاد" و "آمریکای آزاد" را می شناسیم که دم از "دمکراسی" میزنند، اما این "دمکراسی" تنها روینای پوشیده و پنهانده ارتجاع امپریالیستی است که سراسر جهان را به زیر شکن غارت و چپاول اقتصادی و سیاسی گشاده است و... اما لازم نیست که به تاریخ رجوع نمود تا واقعیت فوق را آشکار ساخت. در همین تاریخ دو ساله کشورمان و هم اکنون میتوان به اندازه کافی به مثال های متعدد روشن کننده فراوان استناد کرد. همین رژیم

زنده باد سوسیالیسم!

هستند که رهبران کنونی جمهوری اسلامی و منجمله خمینی قبل از قیام به حکم جبار و فشار انقلاب و فاداری خود را بدان اعلام کرده بودند. همین خمینی، در پاریس اعلام نمود که در جمهوری وی، ما رگسیت ها آزادند عقاید خود را بیان کنند و به فعالیت بپردازند. اما تجربه دو سال و نیمه حکومت آنان نشان داد که "مارکسیست" های آزاد در رژیم جمهوری اسلامی "مارکسیست" ها و "اکثریت" هستند که قطعاً با مبارزه طبقاتی، یعنی جبهه سازی مارکسیست دشمنی میکنند و آن را به شیوه بورژوازی درک میکنند و عمل نمینمایند. مفاهم واقعی "میشاق" نامهربانی صدر، که هم اکنون رهبران سازمان مجاهدین بدان توسل جستند، را از روی کردار واقعی وی و دیگر رهبران بورژوا - لیبرال، در هر شکل و لباس آن (یعنی سلطنت - طلبان و جمهوری خواهان لیبرال) در دوران پیش و پس از قیام میتوان درک نمود. همان کرداری که آقای بنی صدر، در حال حاضر بدان افتخار می نماید و آن را سند حقانیت خویش ساخته است.

بورژوازی لیبرال ایران و در رأس آن شخص بنی صدر مهمترین ویژگی و خصیصه برنامهمورد "آزادی خواهی" و اعتقاد به "دموکراسی" می دانند و عمدتاً از همین زاویه بوده که در گذشته وجه در حال برجناح دیگر یعنی رهبران کنونی رژیم جمهوری اسلامی میتاخفتند (و اکنون هم می - تا زند). در میثاق نامهربانین نکته مورد تاکید فراوان قرار گرفته است بنی صدر در "میشاق" نامهربانین می نویسد: "آزادی به مثابه بازتاب استقلال در سیاست داخلی، یعنی توان یا به دوم جمهوری اسلامی پذیرفته بود. سپس شکل دلخواه حکومتی را که میتوانند این "آزادی" را تا مین نمایند، یعنی مضمون "دموکراسی" و به مثابه شکل دولت مورد نظر خود را چنین بیان میکنند: "بازگردانیدن انقلاب به مسیر خود نه تنها مستلزم پایان بخشیدن به این گونه ولایت و استبدادی است بلکه (چون نظیر این ولایت در ولایت احزابی که پس از پیروزی، استیلا برقرار میکنند نیز وجود دارد) ممنوع ساختن ولایت استبدادی، حزب و جبهه و... را نیز ضروری میگرداند. این جمهوری همانطور که در جریان انقلاب اسلامی و از انقلاب مشروطیت به نحوی استقرار یافته بود، هرگونه ولایتی تنها از طریق اراء عمومی و اراده آزاد مردم کشور قابل اعمال است و پس ("متن کامل میثاق شورای ملی مقاومت")

وقبل از این گفته نیز در توضیح "استبداد شخصی"، انواع آن را در "استبداد دینی"، "استبداد شاهنشاهی" و "استبداد ایدئولوژیک" خلاصه می - کنند و آنها را مورد نفی قرار میدهند. این شکل حکومت مورد نظر "میشاق" مطابق مندرجات آن نگاه موظف به اجرای "آزادی بیان" و "لغو سانسور" آزادی "اصل انتقاد" و... میباشد تا بر اساس آن بتوانند "شعور عمومی" مردم را ارتقاء دهند و بدین ترتیب "راه را بر اعمال آمریکا" در ایران بندند و "استقلال" را تا مین نمایند. این "دموکراسی" به مثابه شکل حکومتی مورد نظر "میشاق" مطابق گفته های رجوی، همان نکته ای است که سازمان مجاهدین را با بنی صدر و یا "شخصیت" - هائی نظیر ایشان (مثلاً امثال سید جوادیه...) به "توافق" رسانده است و پایا به اختلاف آنها را تشکیل داده است.

دموکراسی و آزادی، همان کلمه - ای است که در طول تاریخ بیشترین سوء استفاده ها از جانب بورژوازی نسبت به آن صورت گرفته است. بورژوازی همواره کوشیده است که خصلت تاریخی - طبقاتی این مقوله را استوار نماید و دموکراسی بورژوازی را چیزی ماوراء طبقات و تاریخ، و خواست همه "مردم" جلوه دهد. در دوران اولیه تکوین و رشد سرمایه داری در اروپا، بورژوازی، علیرغم آنکه به لحاظ تاریخی طبقه ای پیشرو و مترقی و از همین زاویه - دموکراسی مورد نظرش به نفع تکامل تاریخی و جامعه بود، لیکن همواره تلاش میکرد تا این واقعیت را که "آزادی" و "دموکراسی" مطلقاً و بورژوازی، نه تنها استثمار روستایی طبقاتی را از میان نمیردونه تنها آزادی را برای طبقه کارگر و ساقط کرده های زحمتکش به ارمغان نمی - آورد، بلکه نوع جدیدی از زحمت و بندگی طبقاتی و شکل نوینی از استثمار طبقاتی را مستقر میسازد، پوشیده نگاه دارد. از آن پس تاکنون یعنی در دوران فعلی، عصر امپریالیسم نیز که بورژوازی و دموکراسی آن تاریخاً خصلت ارتجاعی یافته است احزاب و رهبران بورژوا همواره از این کلمه به نفع تحکیم پایه های ستم طبقاتی بورژوازی و استثمار و حشانه طبقه کارگر سوء استفاده نموده اند.

لازم نیست به نمونه ها و مثال - های تاریخی مراجعه کنیم تا این نکته را روشن سازیم در همین تاریخ چند ساله انقلاب ایران، عملکرد بورژوازی لیبرال، بروشنی این نکته را آشکار میسازد. در دوران شاه و رهبران و احزاب ضد انقلابی

بورژوازی لیبرال، همچون جبهه ملی نهضت آزادی (که مجاهدین آنها را نیروهای مترقی خوان می نامید)، خواهان تعدیل دیکتاتوری فاسدی شاه و مشارکت بیشتر لیبرالها، به همراه نمایندگان سرمایه انحصاری وابسته، در قدرت سیاسی بودند و شعار آنها نیز چیزی جز سلطنت مشروطه نبود. بعدها نیز، اگر تحت فشار جنبش ناچار به پذیرش جمهوری شدند این تغییر، نه تنها نشانده چرخش لیبرالها نبود، بلکه دقیقاً ناشی از تکامل و فشار جنبش و انقلاب و نشان این بود که بورژوازی لیبرال برای خیانت به انقلاب و به شکست کشاندن آن حتی حاضر است لباس جمهوری خواهی را نیز به تن نماید. مضاف بر اینکه جمهوری مورد نظر آنها، هیچ تفاوت مضمونی و اساسی با شعار سلطنت مشروطه آنها نداشت. آنها - کماکان تحت پوش "دموکراسی" و "آزادی" خواهان دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی، حفظ و بقای سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم بودند. پس از قیام، و استقرار دولت لیبرال بازرگان، نکته فوق بوضوح روشن گردید و هرگونه توهم از روی "آزادی خواهی" و "ملی بودن" بورژوازی لیبرال در تجربه عملی توده ها زده شد. دولت بازرگان نه تنها بلافاصله به بازسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم امریکایی پرداخت، بلکه برای تحکیم مواضع و استقرار دولت بورژوازی - که در جریان قیام ضربه دیده بود - سرکوب کارگران و زحمتکش و خلقها را در دستور گذاشت، به شورا های مترقی و واقعی حاصل قیام و مبارزات کارگران در کارخانه ها و موسسات حمله برده سرکوب در کردستان را بی درنگ در دستور کار خود قرار داد و...

بنی صدر نیز که از زیرک ترین رهبران لیبرال بود و در دولت موقت، با عدم شرکت خود در ارگانهای اجرائی خود را به مثابه یک نیروی ذخیره برای رهبری آینده رژیم بورژوازی در لحظات بحرانی آماده می ساخت، پس از انتخاب به ریاست جمهوری رژیم، به شکل ظریفتری همان سیاست پیشین را در دستور کار خود قرار داد. او که با شعارهای فریب - کارانه ای از قبیل "ملی"، "امنیت" و... پای به عرصه میدان گذاشته بود، در فرصت کوتاهی معنای واقعی این کلمات را در عملکرد خود به نمایش گذاشت. افمانه فریبکارانه "بانک بدون بهره" در مدت کوتاهی واقعیت خود را آشکار ساخت. و روشن شد که با نکته به مثابه ثریا ن حیاتی سرمایه داری، بدون بهره، اصولاً

فربت توده ها سکوت اختیار میکرد .

بقیه از صفحه ۴ نفتگران ۵۵۵

این است نتیجه بستن شیر نفت به روی امپریالیست ها در زمان قیام که شما حالا به آن توهین میکنید؟ " غرضی میگوید " من کی این حرف را زدم و توهین کردم؟ " و آن شخص میگوید: " شما خودتان الان به اعتصاب کارکنان نفت در آن موقع توهین کردید اگر قبول ندارید نواری که صدایتان را ضبط میکنند بگردانید و بشنوید . " غرضی میگوید " تو ارجیه آقا بنشین آقا و تشنج در سالتن بالا میگیرد . با سدا را به تکیا پومسی - افتند و غرضی میگوید: " این مردک احق کیده که این حرف را میزند؟ " بعد از این جریان غرضی اشاره می کند که زکلیه حقوقها ۱۵ درصد کم خواهد کرد زیرا دولت ۸۰ درصد بودجه اش صرف حقوق بگیران می شود ۲۰ درصد آن فقط صرف کارهای عمرانی و ... در این موقع عده ای دیگر از کارکنان حاضر در سالن مشتهای خود را بالا میبرند (به علامت اجازه صحبت خواستن !) پاسداران به این عده میگویند: " لطفا مشته بالا نبرید دستها را باز بالا ببرید " یکی از حاضرین خطاب به غرضی میگوید: " آقای غرضی بجای کم کردن حقوق ما بروید سرمایه گردن کلفتها و سرمایه داران از ایشان بگیرید " جلسه با گردن کلفتی های غرضی پایان گرفت . اکثر کارکنان از نحوه برخورد غرضی ناراحت بودند و با دلخوری و بیچ سالن را ترک گفتند . خبر دیگری حاکی از اینست که بدستور رئیس پالایشگاه و غرضی ۵٪ از حق شیفت کارکنان شیفتی کم گردیده است و از حقوق کلیه کارکنان پالایشگاه هم ۱۰٪ کم خواهد شد .

افتخار می نماید ، میتواند این واقعیت را روشن سازد . بنا بر این روشن است آنچه ی که به زعم آقای رجوی مورد توافق سازمان مجاهدین و بنی صدر قرار گرفته است ، نه دموکراسی انقلابی بلکه دموکراسی ضد انقلابی بورژوازی لیبرال است که مجاهدین عملاً زیر پرچم آن خزیده اند . اما معنای دموکراسی انقلابی ، از نقطه نظر پرولتاریا چیست و چه فرقی میان آن با دموکراسی بورژوازی لیبرال وجود دارد ؟ این مسئله را در دنیا به مطلب درمبارزه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد و سفسطه تئوریک را که بر سر مسئله دموکراسی توسط مجاهدین صورت میگیرد بهیتر نشان خواهیم داد . ادا مه دارد .

آری این است کارنامه بنی صدر در دوران زمامداری وی ، و معنای دموکراسی و آزادیخواهی است . کارنامه کسی که اکنون مزورانه دم از دموکراسی و آزادی ، آزادی بیان ، لغو سانسور ، آزادی احزاب ، ضرورت وجود شوراهای " آزادی اقوام " و ... میزند و به " استبداد " حمله مینماید . بنی صدر هم اکنون این کارنامه را با ما به افتخار و سنجش میبرد . خورشید میماند ، زهی پیشرو و قاضی آنچه که رهبران دوران اندیش لیبرال و موضع گیری و تائید لفظی انقلاب و ... کشانده است ، نه دفاع از منافع زحمتکشان و دموکراسی انقلابی بلکه ضرورت ایجاد آنچه انجمنی از حکومت است که بتواند نظام حاکم را از خطر انقلاب ، محفوظ دارد و پاییه های آن را در فریبندترین پوشش ها محفوظ نگاه دارد . مخالفت بنی صدر با استبداد خمینی و ولایت فقیه و ... بیش از هر چیز ناشی از آن است که او این استبداد و شکل عربان و عقب مانده اعمال حکومت را عاقلی جهت فوران و خیزش سریع انقلاب و در خطر قرار گرفتن حیات کل نظام میدانند و از این خطر است که او این چنین هراسان است بیهوده نیست که بنی صدر تا آخرین لحظه و برش قطعی از ارتجاع حزبی ، به آنان هشدار میداد که در جاهایی که کهنه بدخود فرو خواهد افتاد ، لیکن حزب جمهوری آنقدر کودن بود که به نسخه های دور اندیشانه بنی صدر برای حفظ نظام حاکم واقعی ننهاد و او را با نوک چکمه پا از حکومت رانده و از آن پس بود که بنی صدر راه به اصطلاح " انقلابی گری " را در پیش گرفت و خواهان از میان رفتن " استبداد دشمنی " است . الله خمینی ، یعنی کسی که تا دیروز و آخرین لحظات برکناری اش خود را " مرید وی " میخواند ، گردید . آری ، دوستان مجاهد ، آقای رجوی ، این است مضمون و محتوای واقعی " دموکراسی " مورد نظر سر بورژوازی لیبرال و شخص بنی صدر ، این چیزی است که شما با اختلاف خود بر آن پرده سانسور می افکنید و ذهنتان توده ها را مشوش میکنید . لازم نیست که در یک بحث تئوریک این مسئله را روشن کرد که مضمون واقعی طبقاتی شما را و مطالبات بنی صدر و امثالهم چه میباشند و نظر کوتاه به همین کارنامه حکومتی وی و یک سنجش ساد و در لایه لای سطور " میثاق " و انطباق شما را های فریبنده آن با این کارنامه - کارنامه ای که بنی صدر در همین " میثاق " نامیده اند .

وجودیت خود را از دست خواهند داد و معلوم شد که شما ربنی صدر را از میان بردن " ربا " و " بهره " جز شکاری کاذب و برای فربت توده ها نبوده است از همینرو این شعار دروغین نیز پس از مدتی مزورانه سکوت گذاشته شد و با نکها کماکان ، همچون گذشته - همچنان که از قبل نیز روشن بود - به حیات انگلی و زنگین خود برای شرکت در استعمار و غارت توده ها توسط امپریالیست ها و سرمایه داران ادامه دادند .

بنی صدر ، با حمله به شوراهای مترقی ، که در کار توطئه سرمایه داری " اخلاقی " ایجاد میکردند و بواسطه رهبری مبارزات کارگران ، حیات سرمایه داری را در معرض خطر قرار میدادند ، ماهیت دروغین آزادی خواهی خود را بر ملا ساخت . وی تا آنجا پیش رفت که در مقابل خواست کارگران و دیگر زحمتکشان مبنی بر حفظ شوراهای فربا دیر آورد که " شورا بورا " ما لید " ، در دوران زمامداری وی ، رژیم جمهوری اسلامی کماکان ، به تعرض خویش به این نهاد های توده ای ادامه دادند و به سرکوب و تلاش کردن آن پرداختند .

در دوران زمامداری بنی صدر ، و تحت رهبری خود و نیز ، حمله به کردستان و سرکوب خلق کردادامه یافت ، بنی صدر برای درهم شکستن مقاومت توده های کرد ، که مسلحانه از دستاوردهای خود دفاع میکردند ، به سربازان ارتش فرمان داد که تا " بیرون کردن ضد انقلابیون پوتین - ها را از ایران و دریا بردن " (نقل به معنی از گفته بنی صدر در آن موقع) در دوره ریاست جمهوری وی ، کردستان صحنه وسیع ترین و بزرگترین نبردهای میان انقلاب و ضد انقلاب حاکم و سیر فحیح ترین کشتارها و قتل عام ها بود .

بنی صدر همان بود که پس از ترور فحیح رهبران انقلابی خلق ترکمن ، بیشتر مانده اظهار داشت که " اگر من رئیس دادگاه بودم آنها را محاکمه و به اعدام محکوم میکردم . " (نقل به معنی از گفته های وی در آن زمان) بنی صدر کسی بود که در دوره زمامداری وی ، بسیاری از مطبوعات سروه های مترقی مورد حمله قرار گرفته و توقیف شدند ، دهها نفر از هواداران سروه های انقلابی و کمونیست و محمله ها زمان مسا ، بدست جلادان رژیم اعدام شدند ، تنهم به جرم وفاداری به آلمان زحمتکشان اما بنی صدر در قبال همه آنها به موضع ناسیونال میزداشت و با مزورانه برای مطهر نگاه داشتن خود (پس از اوج گیری تصادهای درون رژیم) و

درباره شعارها

رفقا، اعضا و هواداران!

- مکتب خمینی، همان مکتب شاه و همان مکتب هیتلر است!
- رژیم جمهوری اسلامی؛ رژیم ترور و ترسباران، رژیم سرما به و ستم!
- سران جنابتکار رژیم بجرم خیانت و کشتار در دغا خلق محاکمه باید گردند!
- تنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار رندها کمونست و انقلابی!
- دادگاههای فاشیستی حکومت خمینی نابود باید گردند!
- رژیم جمهوری اسلامی، حامی سرما به دار، دشمن زحمتکاران! زندانی سیاسی بهمت توده ها آزاد باید گردند!
- نان، مسکن، آزادی!
- مزدوران و جاسوسان رژیم را در هرکوی و هرزن شناسائی و رسوا کنید!
- انجمن اسلامی، این لانه جاسوسی نابود باید گردد، شوراها ی واقعی ایجاد باید گردند!
- کارخانه، مدرسه، اداره و روستای خود را به کانون مقاومت و مبارزه علیه رژیم تیدیکسل نمائیم!
- کارگران در پرا بر توطئه اخراج دستجمعی از کارخانه ها به مقاومت برخیزیم!
- در اهتزاز با در پرچم مقام و ست توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- زنده باد مبارزات کارگران قهرمان ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- کارگران جهان متحد شوید!
- حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست!
- مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست!
- رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد نمائیم!
- سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!
- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
- زنده باد دوسیا لیم!

- رژیم منفرور جمهوری اسلامی از آگاهی انقلابی میهراسد، زیرا میدانند در صورتیکه کارگران و زحمتکاران ایران آگاه گردند و به ما هیت ارتجاعی حکومت سرما به داری حاکم پی ببرند، دیگر اجازه نخواهند داد تا جلادان ترورست و سرما به داران خونخوار بر آنسان حاکمیت داشته باشند. به همین خاطر رژیم جلاد جمهوری اسلامی مذبحخانه میکوشد تا با دیکتاتور سیاه و جنابتکاران خود کمونستها و انقلابیون را نابود کرده و تبلیغات انقلابی و آگاهگران آنها را جلوگیری بعمل آورد. اما رژیم جلاد خمینی این هدف ارتجاعی را با بدبا خود به گور ببرد. کمونستها و انقلابیون از پای نمی نشینند. آنان شجاعانه و با قدرت تمام در جهت آگاه ساختن توده ها فعالیت میکنند و انقلاب را تدارک می بینند.
- رفقا! برای آنکه بتوانیم تبلیغات ضد انقلابی رژیم را در میان توده ها هر چه بیشتر افشا نمائیم و برای آنکه بتوانیم ما هیت ارتجاعی آنرا در پیشگاه کارگران و زحمتکاران ایران بیش از هر زمان دیگر رسوا بایزیم، میبایست فعالیت تبلیغاتی خود را بطور بیسابقه ای گسترش دهیم. برای این رابطه بخش مرتب و بیگیرانه نشریه "پیکار" و تکثیر مجدد آن و مقالات آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار میباشد. به علاوه شما رنویسی بروی دیوارها و هر آن کجا که امکان دارد و در خدمت آگاهی توده ها ستامر بسیار مهمی بشمار می آید. رفقا! ضیاء است با شعارهای انقلابی خود کارخانه و اداره، کوچه و بازار و خلاصه در و دیوار شهر را آذین ببند و بدین ترتیب بردهان یا وه گویان رژیم و دستگا ههای تبلیغاتی آن مشت محکمی کوبید.
- این شعارها عبارتند از:
- مرگ بر خمینی جلاد!
- مرگ بر خمینی! اما ما تا زیاده دارا!

دموکراتیک کارگران و زحمتکاران ایران
زنده باد دوسیا لیم
جمعی از همزمان و همسکرم
۶۰/۶/۲۳

دوسیا لیم یک لحظه از پای ننشینیم
تنگ و نفرت بر دژ خیمان
جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری انقلابی

بقیه از صفحه ۱۵ رفیق ۰۰۰

بارها از طرف پاداران مزدور سرما به دستگیر شد. یکی از این دستگیریها در رابطه با تصرف خوابگاه های دانشجویی بود که رفیق هم همراه سایر رفقا پیش دستگیر شد و پس از ۴ روز آزاد گشت. رفیق در بسیاری از محلات کارگرنشین تهران از جمله خاک سفید به فعالیت سیاسی و آگاه نمودن توده ها پرداخت. رفیق مجتبی با بسیاری از کارگران کرد ارتباط داشت و همواره آرزو داشت که در کردستان در صفوف خلق مبارز کرده و با مبارزه خود بر علیه فقر و ستم سرما به داری بپزدازد اما ارتجاع این فرصت را به او نداد و همواره در جمع آوری کمک از رفقا و دوستان برای کومه له و خلق رژمنده کسرد کوشا بود. رفیق قدرت بسیاری نیز در انتقال آگاهی سیاسی و آموزش م- ل به کارگران و زحمتکاران داشت. رفقای کارگر که در ارتباط با رفیق مجتبی م- ل را شناختند، بخوبی از این قدرت وی آگاهانند. در جریان مبارزه با ایدئولوژیک "وحدت انقلابی رفیق بطرف " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " دستگیری نمود و با آن مشغول فعالیت شد. در ادامه مبارزاتش در ۱۹ تیر ماه توسط مزدوران رژیم دستگیر و در سرگاه ۳۱ تیر ماه ۶۰ پس از ۱۲ روز دستگیری به همراه ۱۵ رفیق همزمان به اتهام دفاع از آرمان طبقه کارگر به حوخته اعدام سپرده شد و قلب سرخ و پر خروش از تشایستاد با تشای گلوله دشمن، با تشای دژ خیمان و جلادان جمهوری اسلامی، قلب پرا زکینه اش نسبت به پاداران ظلم و سرما به ویر از عشق نسبت به رهاشی کارگران و زحمتکاران از حرکت ایستاد و لسی هدفش که برقراری دوسیا لیم، راهش که آگاهی توده ها و سلاحش که مارکسیسم- لنینیسم بود، همواره زنده است. و فردا که توده ها به ما هیت سرما به داران و خنایست کارانه جمهوری اسلامی بی بردند و فهمیدند که تنها راه نجات دوسیا لیم از راه برقراری جمهوری انقلابی دموکراتیک کارگران و زحمتکاران است، نیروی آنها تبدیل به میلی خواهد شد که نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر رژیم سرما به داری را برای همیشه ارجا خواهد کرد. به خون پاک و سرخ سوگند باد که ما دیکسم که رسیدن به هدفش را رهاشی کارگران و زحمتکاران ارسم سرما به و برقراری

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق



اعدام رفیق و یکتور یاد و ولت شاهی به جرم هواداری از آرمان کارگران و زحمتکشان

سحرگاه ۶۰/۵/۱۵ در رژیم جمهوری اسلامی رفیق دیگری را در زندان شاه خفته دیزل آبا دگرما نشاء به جوجه اعدام سپرد. نام: ویکتور یاد و ولت شاهی متولد: ۱۳۲۹ سال چهارم نظری دبیرستان پروین اعتصامی - جرم: هواداری از آرمان کارگران و زحمتکشان

آری در رژیم سرمایه داری و ضد خلقی جمهوری اسلامی، اعتقاد به آرمان رهاشی کارگران و زحمتکشان و مبارزه در راه آن، البته که جرم محسوب میشود و مجازات آن زندان شکنجه و اعدامهای گروهی انقلابیون است.

رفیق ویکتور یاد و ولت شاهی است که مقامات و متش و عمرگوشاه مبارزاتش، درسهای گرانبهای بیامی موزد، اودرتاریخ ۶۰/۴/۱ توسط مزدوران سرمایه دستانگیر میشود. آنها حتی یک برگه از آنچه که با مطلع خود مدرک جرم میدادند، از او پنهان نمی کنند. ولی واقعیت اینست که مدرک از نظر رژیم در مورد ویکتور یاد چیزی نیست جز اینست که در مبارزات دبیرستان خواستار اشد مبارزات برای وی شده است و از همه مهمتر، خشمی است که جلادان رژیم، از مقاومت و دفاع او در طلی با زجوشی و زندان از او پسند دارند آری! کمترین زندانی عادی یا سیاسی در زندان دیزل آبا دگرما نشاء است که مقامات دلبرانه او را علیه جلادان رژیم شکنجه و ندیده با شدوا از استقامت او بیرو نگرفته باشد. پس از دستگیری او را با تنی چند از زندانیان، در سلولی کوچک که فقط سوراخی برای نفس کشیدن و نمرودن دارد، به بندمی - کشند. در برخورد های اولیه با زندانیان، یکی از عوامل رژیم بنا حاجی معطری (جلاد عوامی از تهران) برای کشتن روحیه انقلابی زندانیان و اردسلول میدهد و کمونیت ها را با دهنده و توهین میگیرد. رفیق ویکتور یاد آرام نمی نشیند و بروی اوتف می اندازد. جلاد که چنین انتظاری نداشت، غشکین و ناراحت، او را به سلول انفرادی برده و زیر شکنجه قرار میدهد. اما ویکتور یاد همچنان با روحیه ای عالی، به خواندن سرود های انقلابی میپرد و دوباره ضرب - ای که جلاد فرو دمید و در سرود او

رسانا تر میشود. تا جایی که با لاف و حاشی معطری جلاد فغان بر میآورد. که تو با این کارت مراد پوانسه کردی! سپس رفیق در اعصاب غذا علیه شرایط و حشتناک زندان شرکت میکند. این اعتصاب اگر چه نا موفق است، ولی مدای اعتراض ده ها نفر از زندانیان زن را منعکس میسازد. زندانی که رئیس بندکن یک زن قاتل است و رژیم برای اینه زندانیان و شکنستن روحیه آنها، از زنان بدبخت و نا آگاه به دگرما نشاء استفاده میکند. در شرایطی که شش و کشتافت پیدا میکنند و زندانیان از کوچکترین حقی برای اعتراض محروم هستند.

زمانی که حکم اعدام ویکتور یاد در بیدارگاه قطعی و اعلام میشود، برای او فرصت دیگری است تا روحیه انقلابی و کمونیستی خود را نشان دهد. او خوشحال و خندان حکم را می شنود. بهترین لباس خود را میپوشد. خود را مرتب و تمیز میکند. آری برای کمونیت ها، مرگ در راه آرمان خود، روز جشن و سرور است!

وقتی او را با دو تن مجاهد خلق برای اعدام میبرند، لحظه تنبسی برای موش نشدنی است! - سرود ای رفیقان... و یاد یاران... او چنین اندام میشود این سرود ها و شعار های "مرگ بر ارتجاع" "زنده باد سوسیالیسم" "اولرزه بر اندام جلادان می افتد. اما آتش مقاومت و اعتراض را در دل زندانیان شعله ور میسازد. ویکتور یاد سرود خوانان در برابر جوجه اعدام می ایستد. او میخواهد با دشمنان تا زجر برای بر گلوله های آمریکا نشی مزدوران سرمایه قرار بگیرد. و آنگاه فرمان آتش - فرمانی که غنود ویکتور یاد ما در میکند - تا در آخرین لحظه نیز مشت محکمی بر دهان ارتجاع کوبیده باشد!

بدون شک، خاطره دلاوریهای رفیق ویکتور یاد ولت شاهی، همچون ستاره درخشانی در آسمان پرتوهای جنبش کمونیستی ایران خواهد درخشید! او از تبار کمونیستهای راستین همچون حیدر عمو و غلی ها، ارانی ها، روزبه ها، فاضل ها، رحمانی ها، و... جدا که کمونیست دیگر است که به مثابه بنای بنده واقعی کارگران و زحمتکشان در طی بیش از ۷۰ سال مبارزه علیه امپریالیسم

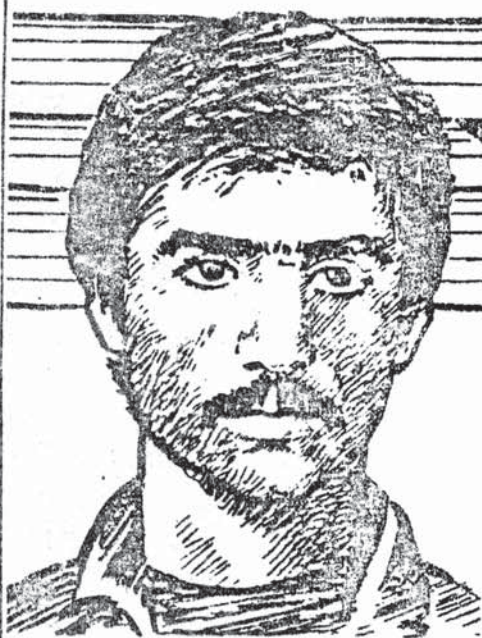
آدمکشان "بسیج" هم مشغولند!

رژیم سرمایه داری وابسته، رژیم با رونیای بغایت ارتجاعی ولایت فقیه جزا کشتار و سرکوب گارش راه منی افتد. کشتار رنه تنها در کردستان و خوزستان و زندانیان تهران و شهرستانها بلکه کشتار در هر گوشه و کنار کشور، در غربا با آنها و کوچه ها و خانه ها نیز با بدادامه با بدو این درست همان چپیزی است که رژیم را بجای نجات دادن، سر به مرتبه سقوط میکشاند. رژیم بدست هر حزب الهی تفنگی میدهد تا بنوبه خود، با بداداد انقلاب باشد، لومین های غمناک و کمیت و با بدان همین حال را دارند. رفیق خبری را فرستاده است که نمونه اش را هر روز میبینیم و نوشته است:

در غربا با ن وحیده یکی از افراد عضو بسیج جلوی ماشین را میگیرند و از آینه کات اتومبیل و دیگر مدارک را میخوانند. جوانان را ندیده که میسند و بسیجی بسیار کمین و سال است به او میگویند: "برو یکی بزرگتر از خودت را بیاور تا مدارک را نشان دهیم."

عضو بسیج با شنیدن این حرف ایستاده و میگوید: گلوله به دیت و یکی به شکم آن جوان میزند. دوستی که کتا را نوشته بود او را به بیمارستان میبرند و تولی او تا رسیدن به بیمارستان میمرد. خانواده این شمی که در همین محل زندگی میکنند در غربا با ن وحیده برای این مجلس با دیوید می کنند و جمعیت زیادی در این عزاداری شرکت میکنند و معتقدند رژیم و ما هیت آنرا بیش از پیش میشناسند بخیه در صفحه ۹

و تحقیق سوسیالیسم جانانه میکنند و بدست ارتجاع و مزدوران سرمایه به شهادت رسیدند! دبیر نیست که توده های آگاه و مبارز کارگران و زحمتکش - در پیوند مبارزه خود با سوسیالیسم - با قیام خویش علیه رژیمستم جمهوری اسلامی انتقام تمامی قربانی های سرمایه - از جمله دولتها ها را خواهند گرفت! اینک سرمایه است که با سر - افراشتن پرچم سرخ آرمان رهائی کارگران - تحقق این هدف را هر چه نزدیک تر سازیم (نقل از "پیکار غرب" نشریه سازمان پیکار در کرمانشاه)



رفیق شهید مجتبی زرگری:

پاسداری که باید پرش

مارکسیسم - لنینیسم

به سازمان پیکار پیوست

کارگران! زحمتکشان! متنی که در زیر میخوانید به وسیله همزمان و همسران رفیق مجتبی تهیه شده و در منطقه خاک سفید پخش گردیده است:

کارگران و زحمتکشان خاک سفید!

بپا خیزید و به اعدام وحشیانه رهبران کمونیست و انقلابی خود اعتراض کنید!

هشده دردها و بدبختیهای زندگی خود و اطرافیان خود بود، بی برد، بی یک لحظه از مبارزه بی امان خود بر علیه آن دست برداشت. رفیق در سال ۵۶ در مدرسه عالی پازرگانی قبول شد و همراه با آغا زنجش انقلابی مردم، ایران در سال ۵۷ فعالانه در تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات توده‌ای شرکت نمود. در سال ۵۷ به علت داشتن عقاید مذهبی و شور و شوق انقلابی به پاسداری پرداخته اما کینه طبقاتی وی به نظام سرمایه داری باعث شد که خیلی زود به ما هیت سرکوبگرانه سپاه پاسداران این مزدوران سرمایه پی ببرد. شبها بر روی دیوارها به نوشتن شعارهای انقلابی و پخش اعلامیه‌های کمونیستی پرداخت و بالاخره از آنجا بیرون آمد. در دانشکده در سال ۵۸ در رابطه با رفقای همزمش با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و آنرا به عنوان علم‌رانی طبقه کارگر پذیرفته و چراغ راه مبارزات خود قرار داد. رفیق در این سال با دانشجویان مبارز دانشکده همکاری میکرد و در اردیبهشت ۵۹ با تشکیلات وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر شروع به فعالیت نموده و از آنجا که پی گیر در راه رسیدن به هدف دارای خصلتهای توده‌ای و صمیمی و عشق عمیق به کارگران و زحمتکشان بود، خیلی سریع از افراد فعال تشکیلات شد. رفیق مجتبی

نقشه در صفحه ۱۳

این دلیل رهبران شما - کمانی را که به شما این آگامی را می دهد تیرباران میکند. یکی از مبارزانی را که بسیاری از شما با چهره صمیمی اش آشنا هستید و شاید برخی از فعالیت ها پیش بودید - رفیق مجتبی زرگری است. این رفیق کمونیست زندگیش را در راه آگامی و راهای کارگران و زحمتکشان از ستم ظلم و جور و سرمایه گذاشت و به همین دلیل پاسداران سرمایه پیکر دست و چشم بسته اش را به رگبار بستند! افتخار بر او و همزمانش!

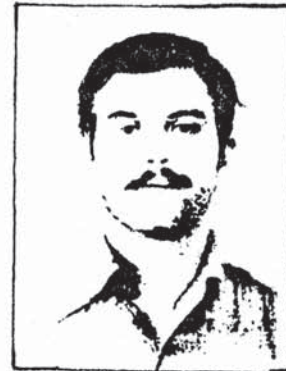
رفیق در سال ۱۳۳۷ در یکی از شهرهای آذربایجان در یک جنگ خانوادگی زحمتکش بدنی آمد. دوران تحصیل ابتدایی خود را در همانجا گذراند و به همراه خانواده خود برای ادامه تحصیل به تهران آمد. رفیق از همان کودکی با پوست و گوشت خود با زندگی پرازرنج کارگران و زحمتکشان آشنا و در میان آنان بزرگ شد. همین زندگی و آشنائی با دردها ورنجهای طبقه کارگر رفیق را از خصلتهای توده‌ای دربرخورد به آنان برخورد آور نمود، زیرا که او در میان آنان زیسته و با آنان بزرگ شده بود. به همین دلیل او همواره بدنبال علت و ریشه این بدبختیها بود تا با آن به مبارزه بر - خیزد و زمانی که به این ریشه ها یعنی نظام سرمایه داری که عامل

روزی نیست که رژیم جمهوری اسلامی خبر تیرباران فرزندان کمونیست و انقلابی شما را در میدان های تیروزندانها پیش ندهد. هیچ از خود پرسیده اید چرا؟ چرا قلب سرخ کمونیستها و دیگر انقلابیون است که به وسیله گلوله های رژیم سوراخ میشود؟ چون کمونیستها اعمال جنایتکارانه کثرت و بمباران مزدوران جمهوری اسلامی را در گردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه ها افشا میکنند. چون کمونیست ها ما هیت سرمایه داران رژیم را برای شما افشا نموده اند. سودهای ۱/۲۰۰ میلیونی سرمایه دارانش را افشا کرده. به خون کشیدن کارگران پیکار اصفهان، درود، کشتار کارگران شهرک صنعتی البرز و... را افشا نموده. چون کمونیستها به شما کارگران و زحمتکشان میگویند شما با بد متحد و مشکل شوید و نظایم سرمایه داری را از بین ببرید. فقر، فلاکت، بی خانمانی، بی مکنی، بیکاری فقط وقتی از بین میرود که نظام سرمایه داری از بین برود. چون کمونیستها به شما میگویند که پیروزی شما فقط و فقط در بر - انداختن نظام سرمایه داری و قدیم نهادن سوی سوسیالیسم امکان پذیر است.

رژیم جمهوری اسلامی از نیروی آگامی و اتحاد شما می هراسد و به

ننگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار صدها کمونیست و انقلابی!

رفیق مجید رضا خسروی، ستاره سرخی دیگر



حما خونی کدر ز سم سرامه داری
وای سدا ایران سراه بدخته همچنان
دایر است و خمیسی این ضحاک زشت
زمان ما، هر با مدادان از دل و مغز
جوانان انقلابی و کمونیست خوراک
می طلبید! این زالوی خو خوار
ارشیاع را سیری در کار نیست و تنها
خاک تور میتوانند از رخا غر خم خورده
حاکم را از خونخواهی باز دارد. حدود
هزار شهید انقلابی و کمونیست طی
دوماه! این رکورد جاست و ننگ
تاریخی را کم روزیم مدخلقی
شکسته است. خمیسی با هیچ حیل و
ترفندی دسان خون آلودش را
نمی تواند بسوید ما و او را در تاراج
ایران بموان یکی از زما مداران
خونخوار و سگس بد شیت رسیده است
اوبه نابودی سل انقلاب کمربسته
است ولی از هر قطره خون شهیدان
کمونیست و انقلابی پر جمی سرخ قد
سرمی اصرار زد و در خاده بیرم خاطره
سرخ سروز و رهروان سبهار راه
رهانی کارگران و زحمتکشان را
بسوی قندنا بناک سوسا لیسیم
هدایت میکند. هر قطره خون شهیدان
ما میخی دیگر بر تاپوب ارجحاع
و امپریالیسم میگوید و طین آن مرک
دشمنان خلق را صلا میدهد.
در این شماره رفیقی دیگر،
کمونیستی بی تلاش و بی کارگر را که
جان در راه آزادی طبقه کارگر بهاد
مرفی میکسم. کارگران و زحمتکشان
این یاران با وفای خود را همواره
در قلب خویش رسته نگاه خواهند
داشت.
رسمی ما محمد خسروی (بادر) که

کاروان سرخ صدها
شهید کمونیست و
انقلابی، ناقوس
مرگ رژیم را می نوازند



ایمان به مبارزه طبقاتی و ابشار
در راه زحمتکشان را با تمام وجودش
آگاهانه پذیرفته بود و وظیفه اساسی
و مبرم هر کمونیست را فعلیست
انقلابی در بین کارگران و زحمت
کشان ایران دانسته پس از مدتی
کمتر اردو سال و همزمان با اوخ
کری جنبش تومنده خلقهای دلیرمان
به ایران بازگشت و وارد شده
فنی شد در ابتدا، رفیق با وجودیکه
از تجربه مبارزاتی کمی در رابطه
با طبقه کارگر برخوردار بود ولی با
سرز و پشتکار فراوان و با شور
بهره در صفحه ۸

۳۱ بهار از عمر خویش را به سرکدارده
بود در سال ۳۹ مولهسد. او از استعداد
وهوش فراوانی برخوردار بود و در
۱۵ سالگی موفق شد به ارتبه اول
دوره دبیرستان را بپایان رساند.
او برای ادامه تحصیل به آمریکا
رفت و از همان ابتدا در رابطه با
مسار زات دانشجویان ایرانی
خارج از کشور قرار گرفته و به
فعالیتی مستمر بر ضد رژیم وابسته
به امپریالیسم تا ه خاش در صفوف
کنفدراسیون جهانی دانشجویان
پرداخت. اما او که از همان ابتدا

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق